

نقدی بر عملکرد «مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی»
 در گفت‌وگو با حجت الاسلام پژمانفر

تحریف امام جواد
با تاریخ نگاری جناحی



گفت‌وگو با زهره قاسم‌زاده، زن مشهدی
 که خانه‌اش را وقف خدمات اجتماعی کرده است

از دواج آسان
به برکت روضه امام رضا



گفت‌وگو با سید قاسم یاحسینی به مناسبت سالروز آغاز قیام مردم تنگستان

لایایی‌های ضد انگلیسی مادران بوشهری



گفت‌وگو با سازنده مستند «حرمان» به بهانه پخش آن از تلویزیون

در یک قدمی داعش



چه کسی کاپیتان تیم ملی در روسیه خواهد بود؟

کشف جاسوس افزار پیشرفته

مهر: مرکز مدیریبت راهبردی افتای ریاست جمهوری از کشف جاسوس افزار جدید خطرناک با نام InvisiMole خبر داد که به عنوان ابزاری برای مقاصد ملی و مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. پژوهشگران امنیتی ESET بدافزاری را کشف کرده‌اند که در پنج سال گذشته بشدت مورد استفاده قرار گرفته است. در حالی که ریشه این بدافزار جدید مشخص نشده، اما باورها بر این است که این بدافزار یک ابزار پیشرفته جاسوسی سایبری بوده که برای مقاصد ملی و مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این جاسوس افزار که InvisiMole نام گرفته، از سال ۲۰۱۳ فعال بوده است. به گفته پژوهشگران، این بدافزار از کنونی هوشمندانه‌ای برخوردار بوده و از دو ماژول تشکیل شده است. هر دو ماژول دارای ویژگی‌های جاسوسی اطلاعات هستند و به یکدیگر کمک می‌کنند تا اطلاعات را استخراج کنند.

ماژول نخست RCYFM نام دارد و بچه‌چسبی کمتری نسبت به ماژول دوم دارد. فقط از ۱۵ دستور پشتیبانی می‌کند و قابلیت‌های ویرایش سیستم محلی و جست‌وجو و سرعت اطلاعات را دارد. ویژگی بارز این ماژول، قابلیت آن در استخراج تنظیمات پرآکسی از مرورگرها و استفاده از پیکربندی آن‌ها و ارسال این اطلاعات به سرور C&C است. سایر قابلیت‌های این ماژول شامل روشن کردن میکروفون کاربر، ضبط صدا، تبدیل آن به فایل MP3 و ارسال به سرور C&C است؛ همچنین این جاسوس افزار می‌تواند وب‌کم کاربر را روشن کند و از صفحه نمایش کاربر عکس بگیرد. استخراج اطلاعات سیستمی و تغییرات در پیکربندی سیستم از سایر قابلیت‌های آن است.

ماژول دوم RCYCL نام دارد، دارای قابلیت‌های پیشرفته‌ای است که می‌توان از یک جاسوس ابزار حرفه‌ای، انتظار داشت. این ماژول حاوی ۸۴ دستور درستی است که می‌تواند دستوراتی از shell را به صورت دور اجرا کند، کلیدهای رجیستری را تغییر دهد، فایل اجرا از این‌ها کشف بدافزار و ویروس شده را به دست آورد، درایورها را بارگذاری کند، اطلاعات شبکه را به دست آورد، و... این ماژول نیز مانند ماژول اول می‌تواند میکروفون کاربر را روشن کند و همچنین از صفحات عکس بگیرد.

از ویژگی‌های منحصر به فرد این ماژول، قابلیت آن در حذف فایل‌ها خود پس از جمع‌آوری اطلاعات به منظور مخفی ماندن از ابزارهای کشف بدافزار و ویروس است. ویژگی دیگر آن در تبدیل خود به یک پرآکسی و تسهیل اتصالات با ماژول اول و سرور C&C مهاجم است.

ردپای ۴۵ متهم در پرونده فساد ۱۶۰۰ میلیاردی

باشگاه خبرنگاران: اعضای باند بزرگ فساد اقتصادی پس از فرار از ایران با ۱۰ چمدان پر از طلا دستگیر و به ایران منتقل شدند. ابتدای شهریور ماه ۱۳۹۲ خبر بازداشت عناصر یک شبکه فساد اقتصادی به جرم اختلال در نظام اقتصادی به خبر اصلی فضای اقتصادی کشور تبدیل شد. پرونده‌ای که بعدها به پرونده برادران (ر) معروف و در میان افکار عمومی، فعالان بازار پولی، بانکی و صنعت پتروشیمی به نام مدیران و توسل به پرداخت رشوه‌های کلان و با استفاده از ضمانت نامه‌های صوری، برخی شرکت‌ها و اگاد شده به موجب اصل ۴۴ قانون اساسی از جمله پتروشیمی اصفهان، پتروشیمی بیستون کرمانشاه و همچنین یک بانک خصوصی را تصاحب و اقدام به انتقال بخشی از سرمایه حاصله به خارج از کشور کردند. در ادامه اعضای باند پس از گریختن به یکی از کشورهای عربی، بارش‌های پیچیده بازرگانی به همراه ۱۰ چمدان طلا و جواهر دستگیر و به کشور بازگردانده شدند.

جزئیات جدیدی از پرونده ۱۷ ساله‌های زورگیر

دو عضو فراری باند زورگیران نوجوان دستگیر شدند

خط قرمز: عقیل رحمانی: ۱۹ خرداد ماه بود که خبر دستگیری دو عضو باند (۱۷ ساله‌های زورگیر) در صفحه حوادث منتشر شد که طی آن اعضای باند با پرسه زنی در مناطق مرکزی شهر مشهد پس از شناسایی معطمه‌های خود در خیابان‌های فرعی و مکان‌های خلوت، سواره آن‌ها می‌شدند و در حالی که سسر و صورت خود را پوشانده بودند، با تهدید چاقو و زدن شوکر، گوشی تلفن همراه شهروندان را سرق می‌کردند.

در حالی در ساعات اولیه بازداشت دو عضو نوجوان باند زورگیر، آن‌ها در شب ۲۰۳ بازپرسی (شعبه ویژه سرعت) دادرسی امشده به صراحت به اقدامات مجرمانه خود اعتراف کردند که همزمان تعدادی از مالباختگان هم سارقان را شناسایی کردند. این گزارش حاکی است، در ادامه بازپرس تریان متهمان را در اختیار

کشف مزرعه خشخاش در حوالی مشهد

خط قرمز - عقیلی: سرپرست دادرسی انقلاب مشهد، فردی که در حوالی مشهد پایتبه بر سر اختلافات قومی و قبیله‌ای درگیری و نزاعی صورت گرفت که شاکای عضو یکی از آن طایفه‌ها بوده است. سردار جاویدان تصریح کرد: سرانجام یکی از آدم‌رباها در حالی که با سوار علی اکبر جاویدان اظهار کرد: مردی ۳۴ ساله به پلیس آگاهی شهرستان آزادشهر مراجعه و اعلام کرد افرادی ناشناس با سر و صورتی بسته به درب منزلش مراجعه و اقدام به درگیری و ضرب‌وشتم وی و همسرش کرده‌اند. وی افزود: فرد شاکای بیان کرد برای نجات جان خود و اعضای خانواده با خودرو از محل گریختیم، اما آن‌ها در مکانی خارج از شهر جلوی ما را گرفته و اقدام به روغن سسیر چهار ساله‌ام را داخل خودرو کرده به سرعت از محل

مأموران اداره مبارزه با جرایم خشن پلیس آگاهی استان قرار داد تا دیگر عوامل فراری زورگیری‌های متعدد در سطح شناسایی و دستگیر شوند. بر همین اساس تحقیقات کارگهان برای شناسایی محل اختفای دو عضو دیگر باند آغاز و در نتیجه هر دو متهم ابتدای هفته در حوالی بلوار طبرسی شناسایی و طی دو عملیات پلیسی دستگیر شدند. هر دو سارق دستگیر شده پس از انتقال به دادسرا زمانی که در مقابل مستندات غیر قابل انکار دستگاه قضایی قرار گرفتند، انجام زورگیری‌های خشن را پذیرفتند و مالخر گوشی‌های سرقی را نیز معرفی کردند. به همین واسطه مالخر سابقه دار در حوالی خیابان پنج تن دستگیر و به شعبه ویژه سرعت دادرسی امشده منتقل شد.

خط خبر

مارهای افعی در ساحل به جان دختر افتادند

انگلستان: مارهای افعی پنهان شده در ماسه‌های ساحل ولز به یک دختر حمله کرده و او را نیش زدند. دختر دو ساله‌ای هنگام شنا در سواحل ولز توسط مارهای افعی سسمی مورد حمله قرار گرفت. این دختر به همراه دو قربانی دیگر که آن‌ها هم از نیش مارهای عصبانی بی‌نصیب نمانده بودند، توسط تیم پزشکی گارد ساحلی مورد درمان موقت قرار گرفتند و سپس به بیمارستان منتقل شدند. سخنگوی گارد ساحلی به گردشگرانی که قصد قدم زدن در ساحل را دارند هشدار داد تا مراقب حمله مارهایی که در زیر شن ریزه‌های ساحل پنهان شده‌اند، باشند.(باشگاه خبرنگاران)

بیماری مرموز ۲۰ دیپلمات

کوبا: مسئولان کوبایی اظهار کردند که همچنان در خصوص پرونده بیماری مرموز شماری از دیپلمات‌های آمریکا در این کشور سرگم هستند. بیش از ۲۰ تن از دیپلمات‌های آمریکایی که در هوانا مشغول فعالیت بودند، دچار مشکلات مغزی شده‌اند که وزارت امور خارجه آمریکا معتقد است که این مشکلات در بی‌حمله‌ای توسط تسلیحات سری ناشناخته و احتمالاً یک دستگاه صوتی یا تولید امواج مایکروویو صورت گرفته است. پرونده‌های مربوط به بیماری این افراد از پایان سال ۲۰۱۶ تا تابستان ۲۰۱۷ مطرح شد و علامت آنان از دست دادن توانایی شنوایی، اختلال شناختی، سرگیجه، بی‌خوابی و مشکلات تنبلی را شامل می‌شد.

آمریکا کوبا را مسئول بروز این بیماری می‌داند و معتقد است که چنانچه این بیماری به دلیل حمله کوبایی‌ها نبوده، آنان همچنان به خاطر عدم حفاظت از دیپلمات‌های آمریکایی متهم هستند. در پی این حادثه، آمریکا بیش از نیمه از دیپلمات‌های خود را از کوبا خارج و ۱۵ تن از دیپلمات‌های کوبایی را نیز از واشنگتن اخراج کرد. وزارت امور خارجه کوبا در بیانیه‌ای اعلام کرد: پس از بیش از یک سال تحقیقات به سرپرستی آژانس‌های ویژه و کارشناسان آمریکایی و کوبایی، می‌توانیم تأیید کنیم که هیچ توضیح علمی یا فرضیه معتبری که اقدام‌های انتقام‌جویانه آمریکا را توجیه کند، به دست نیامده است.

این بیانیه ادامه می‌دهد، کوبا تمایل خود را به همکاری با مسئولان آمریکایی برای روشن کردن این وضعیت ابراز می‌کند. وزارت امور خارجه کوبا در این بیانیه افزود: هوانا یادداشت‌هایی از تازه‌ترین پرونده‌های گزارش شده از سوی سفارت آمریکا تهیه کرده که در ۲۹ مه منتشر شده‌اند و به بیمار شدن یکی از کارکنان آمریکایی در اثر «صدای ناشناخته» در محل سکونتش در چین می‌پردازند.

سفارت آمریکا در پکن پس از آنکه کارکن دولت را از این شهر خارج کرد، برای شهروندانش در چین هشدار داد که در خصوص سلامت این افراد صادر کرد که دومین هشدار در دو هفته اخیر است و هراس‌هایی را درباره مرگ متب بود این مسئله با وقایع کوبا برمی‌انگیزد.

مایک پامپئو، وزیر امور خارجه آمریکا باگانی را برای نظارت بر واکنش‌ها در خصوص این بیماری مرموز در کوبا و چین تعیین کرده است.(ایستنا)

فرمانده انتظامی شرق تهران خبر داد

کشف ۱۴۰۰ کیلوگرم مواد مخدر از یک تریلی

فارس: فرمانده انتظامی شرق استان تهران گفت: مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر موفق به شناسایی محموله عظیم مواد افیونی شدند که در پوشش لوازم مجاز وارد کشور شده بود. سردار عبدالرضا ناظری بیان کرد: قاچاقچیان اقدام به جاسازی مواد مخدر در بین لوازم برقی کرده بودند که از مجاری قانونی وارد کشور شده و قصد داشتند این محموله را به تهران منتقل کنند که توسط نیروی انتظامی مورد شناسایی قرار گرفتند. وی با بیان اینکه این محموله در یک تریلی جاسازی شده بود، تصریح کرد: محموله کشف‌شده به میزان ۱۴۰۰ کیلوگرم بود که در مسیر تهران کشف شد؛ همچنین خودروی حامل مواد توقیف شد، وی در پایان متذکر شد: در این خصوص یک نفر بازداشت شده و پرونده در حال بررسی بیشتر است.

گفت و گو

روایت زن جانبازی که قسمت بود

گذرش به مشهد بیفتد و شفا بگیرد

زیارت با برانکارد

آرمد اسید طیبه یوسفیان متولد شهر دزفول است؛ زنی که به‌عنوان نیروی پشتیبان در دوران دفاع مقدس خدمت می‌کرد و در سال ۶۲ بر اثر بمباران این شهر به درجه جانبازی نائل آمده‌ او غیر از این جانبازی اما تفاوت دیگری با دیگران دارد؛ توسلی به امام (رضاع) که زندگی او را متحول کرد. روایت زندگی او را در ادامه می‌خوانید:

♦ **خانم یوسفیان، لطفاً از نحوه محر و حیستان در جنگ بگویید.**

روز آخر مهر ۶۲ بود. من خانه خواهرم بودم که صدای مارش نظامی از بلندگوی مسجد بلند شد. یکی از اعضای خانواده‌ام به ما نهنیب داد که «باشید برید جای امن؛ مگه نمی‌بینید صدای انفجار به گوش می‌رسه؟» در همین گفت‌وگوها، ناگهان صدای انفجار مهیبی بلند شد و من یک آن خودم را تو هوا دیدم. با همان سرعت که به هوا پرتاب شدم، به همان سرعت هم به طرف پایین سقوط کردم و با کمر، اول روی سکوی سیمانی پله زیر زمین افتادم و بعد از لحظه‌ای، به کف زیرزمین لیز خوردم. بعد از این دیگر چیزی یادم نیست.

♦ **بعد چه اتفاقی برایتان افتاد؟**

یادم هست مرا به بیمارستان افشار دزفول بردند. البته حدس می‌زنند من هم شهید شوم، ولی هنوز نیمه جانی داشتم. در بیمارستان، برای یک لحظه به هوش آمدم. ضربه به منخچام وارد شده بود. به همین دلیل چهره‌ها را خیلی ناجور می‌دیدم. یکی از دکترها متوجه حال من شد و به سراغم آمد. او من را پرسید: دخترم کجایت درد می‌کنده؟ من با ناله گفتم: با نلدارم! یا خنده به من گفتم: دخترم، با داری. بعد در همان حال می‌شنیدم که به عداوی می‌گویند: این دختر را به یک جایی برسانید؛ خیلی جوان است؛ حیفا است که فلج بماند!

♦ **منظورن کجا بود؟**

منظورشان اعزام به تهران بود. به هر حال، مرا شبانه به سمت تهران حرکت دادند، اما گویا هوای تهران مساعد نبوده که هواپیما به سمت مشهد می‌رود. وقتی به مشهد رسیدیم، نمی‌دانم چه تقدیری بود که مرا به بیمارستان امام رضا(علیه‌السلام) بفرستند.

♦ **تشخیص پزشکان در باره شما چه بود؟**

می‌گفتند نخاع من آسیب دیده و در حال قطع شدن است. به همین دلیل، اصلاً مرا تکان نمی‌دادند و مرا با همان برانکاردی که رویش خوابیده بودم، روی تخت بیمارستان گذاشتند.

♦ **چند ماه در بیمارستان بستری بودید؟**

حدود سه‌الی چهار ماه شد. در این مدت، زخم‌هایم بدشد عفونی شد. از بس درد داشتم، خواب نداشتم. گاهی به زور مرفین چند ساعتی پلک‌هایم روی هم می‌افتاد. یک روز به من خبر دادند که دکترها می‌خواهند مرا عمل کنند. قرار بود از بعضی قسمت‌های بدنم بردارند و به قسمت‌های آسیب دیده پشت کمرم پیوند بزنند. شب قبل از عمل، پرستاری برای آماده کردن من آمد. پرستار مشغول کارش شد و من با دلی شکسته و چشمی گریان مشغول راز و نیاز با خدا شدم. حال عجبیی داشتم.

وقتی که پرستار رفت، حالم بدشد دگر گون شد. یکی از پرستارها بالای سرم آمد و مشغول آمدن کردن من شد، اما حالتی به من دست داده بود که به او گفتم: باید مرا به حرم امام (رضاع) ببرید. او با تعجب گفت: «دختر، نمیشه، کجا بری؟ پدنتو ضدعفونی کردند، تو فردا باید به اتاق عمل بروی!» اما من بیست‌اصرار کردم. او وقتی نتوانست مرا قانع کند، مسئول بخش را خبر کرد. او کمی خشن بود. به اعصابم به سمت من آمد و در حالی که دستش به کمرش بود، گفت: «یوسفیان، شنیدم که می‌خواهی به حرم بروی؟ آخه تو با این وضعیت، می‌خواهی بروی حرم چه بکنی؟» گفتم: می‌خواهم بروم حرم، شکایت ظالمی را بکنم که من را به این روز ناآشناختم. می‌خواهم بروم پیش آقا، ببینم او که برای همه معجزه دارد، برای من هم دارد!

هر چه می‌گفتند با گره‌های شدیدتر بر خواسته‌ام اصرار کردم. به هر حال آن‌ها کوتاه آمدند و یک آمبولانس آوردند و مرا با مسئولیت خودمان سوار آن کردند.

♦ **این ماجرا دقیقاً برای چه تاریخی است؟**

اواخر آذر بود. بارش شدید برد، ادامه داشت که دم در حرم رسیدیم. آمبولانس تا دم در کشداری وارد شد. انگار از قبل به خدام خبر داده بودند. آن‌ها منتظر ما بودند. حرم خلوت بود. برانکارد مرا نزدیک ضریح امام بردند و آن را طوری قرار دادند که دستم راستم را در شبکه‌های ضریح پنجه کردم. ضریح را که در دستم حس کردم، دیگر هیچ کس و هیچ چیز دیگری را نمی‌دیدم. تمام وجودم گرم شده بود. با ناله، ضجه زدم: آقا جان، نمی‌دانم من را به سیدی و فرزندسی قبول داری؟ اگر قبول داری، بابا جان به دادم برس. چندین بار حضرت را با کلمه بابا صدا زدم و از او خواستم نظری به من داشته باشد که فردا زیر دست پزشکان نیتم. وقتی خدامین حال مرا می‌دیدند، آن‌ها هم اشک می‌ریختند. یکی از آن‌ها، قرآنی روی سینمام گذاشت و شالی سبزی روی سرم کشید. بعد گفتم، دخترم، آرام باش، آن شاه‌الله، مادرت، بی بی حضرت زهرا(س) فردا کمکت می‌کند.

بعد از دقایقی، حدود ساعت یک نیمه شش، با حالی پریشان به سمت بیمارستان راه افتادم. وقتی مرا روی تخت گذاشتند، برخلاف این چند ماه، به خواب رفتم. در خواب دیدم، داخل حیاط دبیرستانمان هستم. در همین حین، آقایی را دیدم که وارد حیاط مدرسه شد. همین که چشمش به من افتاد، مرا به سمت خودش فرا خواند. با خوشحالی به سمتم راه افتادم. چند قدمی نرفته بودم که ناگهان با فریادی از سر شوق به دوستاتم گفتم: بچه‌ها، من با دارم. من با دارم.

♦ **بعد از این خواب حالتان تغییری هم کرد؟**

روز بعد، مرا به سمت اتاق عمل بردند. حال من آماده روی تخت خوابیده بودم و چراغ‌های اتاق عمل بالای سرم روشن شده بود، اما خبری از دکتر نبود. به ناچار مرا به اتاق ریکاوری بردند. در آنجا، هر کسی مرا می‌دید، از سرحالی من تعجب می‌کرد. یک ساعت بعد، خانم پرستاری که عفونت‌های بدن و محل زخم‌ها را پاک می‌کرد، بالای سرم آمد. او گفت: یوسفیان، معجزه شده که تو اینطور سر حال هستی؟

از طرفی برایم خبر آوردند، گروهی از پزشکان ساعت سه بعد از ظهر برای دادن آخرین شور درمانی، بالای سرم می‌ایند. رأس ساعت مقرر آن‌ها آمدند. یکی از پزشکان سرنگی باریک دستش بود تا به پشت من تزریق کنند. مرا با زحمت دمر کردند. همین که آن دکتر دستش برای تزریق جلو آمد، دکتر بنایی گفت: کبر کن دکتر. بعد زخم مرا بررسی کرد و گفت: درسته زخمش به اندازه یک بند انگشت قطر دارد ولی نیازی به این تزریق نیست. حتی نیازی به پیوند هم ندارد؛ به پلئسمان کردن زخم ادامه بدهید. یکی از پزشکان گفت: دکتر پس برای استخوان کمرش اقدام کنیم. دکتر بنایی دوباره گفت: نه. حالا زخمش را مدوا بزنیم تا با بیبینیم چه می‌شود.

♦ **از چه زمانی توانستید راه بروید؟**

مدتی مداوای زخم‌هایم طول کشید. بعد از آن فیزیوتراپی رفتم و یک سری ماساژ درمانی و سایر اقدام‌های پزشکی روی من انجام شد. اما هر چه اتفاق افتاد، تحت تأثیر همان توسل و خواب بود. چون من در جابم غلت زده بودم. بعد از مدتی توانستم روی ویلچر بشینم اما از سال ۶۳ دیگر توانستم راه بروم.

گفت‌وگو با زهره قاسمزاده، زن مشهدی که خانه‌اش را وقف خدمات اجتماعی کرده است

از دواج آسان به برکت روضه امام رضا



هر طریقی بود به بیت کمک کردند. یکی گوشواراهش را فروخت، یکی انگشترش را و خلاصه هر کس به هر طریقی توانست کمک کرد تا کار راه بیفتد.

♦ **اول کار را با چه برنامه‌ای شروع کردید؟**

برنامه اول ما راه‌اندازی مهد قرآن بود. چون قبل از آن در محله مهد نداشتیم. برای اینکه این کار را شروع کنیم، دو نفر از خانم‌ها رفتند و آموزش‌های لازم را دیدند. بعد هم در یک اتاق کوچک آموزش ۱۵تا بچه را شروع کردند. خوشبختانه آن قدر هم خوب کار کردند که خانواده‌های متقاضی بیشتر و بیشتر شد و به جایی رسید که دچار کمبود جا شدیم و کم‌کم نتوانستیم به همه متقاضیان سرویس بدهیم. بعد برای این که منسجم‌تر پیش برویم، کارگروه‌های مختلفی راه‌اندازی کردیم. کارگروه شناسایی نیازمندان، کارگروه ازدواج آسان، کارگروه ورزش و بانوان، کارگروه اردوها و غیره. هر کدام از خانم‌ها هم مسئولیتی دارند که کارها بهتر پیش برود.

♦ **اگر موفقید با ماجرای شکل‌گیری این کانون شروع کنیم**

ماجرای شکل‌گیری این کانون از یک کلاس آموزشی شروع شد. ما این کلاس را در روضه‌ها گذاشته بودیم که دهه آخر صفر در خانه برگزار می‌کردیم.

♦ **این کلاس چه سالی برگزار می‌شد؟**

سال ۹۳. آن موقع من دیدم استقبال خوبی از کلاسی که برگزار کردیم، شد؛ برای همین طبقه بالای منزلمان دیگر گنجایش لازم را نداشت و باید جای بزرگ‌تری پیدا می‌کردیم. این طبقه هم دست مستأجر بود.

♦ **اصلاً چه جوری به ذهنتان رسید برای خانم‌ها کلاس آموزشی برگزار کنید؟**

خب من قبل از آن تسهیلگر بودم و با بهزیستی همکاری می‌کردم. کارم هم در محلات حاشیسه شهر مشهد بود. یعنی با مشکلات این مناطق آشنایی داشتم. برای همین به فکرم رسید که از این توانایی و چیزهایی که یاد دارم به نفع زنان محله خودم استفاده کنم. علاقه داشتم چیزی را که یاد دارم، به دیگران هم یاد بدهم. با همسرم صحبت کردم که به سهم خودم برای منطقی‌ای که در آن زندگی می‌کنم، قدمی بردارم. ششورم زمان با خودم قفسر کردم که این بهترین فرصت است برای این که کارهایی را که دوست دارم، انجام دهم. به شوهرم گفتم می‌شود از این طبقه برای کمک کردن به مردم استفاده کنیم.

♦ **و کارتان را شروع کردید؟**

بله. من با دست خالی و تنها با یک واحد ساختمان شروع کردم. به ۷۰۰۸۰ نفری هم که به برنامه آموزشی‌مان می‌آمدند، جریان طبقه را گفتم و خواستم کمک کنند تا این مکان برای برنامه‌های بعدی و برنامه‌های جدی‌تری که در سرم بود، آماده شود. دو سه روزی بود که من به علت گرفتاری و نیاز با خدا شدم. حال عجبیی داشتم.

وقتی که پرستار رفت، حالم بدشد دگر گون شد. یکی از پرستارها بالای سرم آمد و مشغول آمدن کردن من شد، اما حالتی به من دست داده بود که به او گفتم: باید مرا به حرم امام (رضاع) ببرید. او با تعجب گفت: «دختر، نمیشه، کجا بری؟ پدنتو ضدعفونی کردند، تو فردا باید به اتاق عمل بروی!» اما من بیست‌اصرار کردم. او وقتی نتوانست مرا قانع کند، مسئول بخش را خبر کرد. او کمی خشن بود. به اعصابم به سمت من آمد و در حالی که دستش به کمرش بود، گفت: «یوسفیان، شنیدم که می‌خواهی به حرم بروی؟ آخه تو با این وضعیت، می‌خواهی بروی حرم چه بکنی؟» گفتم: می‌خواهم بروم حرم، شکایت ظالمی را بکنم که من را به این روز ناآشناختم. می‌خواهم بروم پیش آقا، ببینم او که برای همه معجزه دارد، برای من هم دارد!

هر چه می‌گفتند با گره‌های شدیدتر بر خواسته‌ام اصرار کردم. به هر حال آن‌ها کوتاه آمدند و یک آمبولانس آوردند و مرا با مسئولیت خودمان سوار آن کردند.

♦ **این ماجرا دقیقاً برای چه تاریخی است؟**

اواخر آذر بود. بارش شدید برد، ادامه داشت که دم در حرم رسیدیم. آمبولانس تا دم در کشداری وارد شد. انگار از قبل به خدام خبر داده بودند. آن‌ها منتظر ما بودند. حرم خلوت بود. برانکارد مرا نزدیک ضریح امام بردند و آن را طوری قرار دادند که دستم راستم را در شبکه‌های ضریح پنجه کردم. ضریح را که در دستم حس کردم، دیگر هیچ کس و هیچ چیز دیگری را نمی‌دیدم. تمام وجودم گرم شده بود. با ناله، ضجه زدم: آقا جان، نمی‌دانم من را به سیدی و فرزندسی قبول داری؟ اگر قبول داری، بابا جان به دادم برس. چندین بار حضرت را با کلمه بابا صدا زدم و از او خواستم نظری به من داشته باشد که فردا زیر دست پزشکان نیتم. وقتی خدامین حال مرا می‌دیدند، آن‌ها هم اشک می‌ریختند. یکی از آن‌ها، قرآنی روی سینمام گذاشت و شالی سبزی روی سرم کشید. بعد گفتم، دخترم، آرام باش، آن شاه‌الله، مادرت، بی بی حضرت زهرا(س) فردا کمکت می‌کند.

بعد از دقایقی، حدود ساعت یک نیمه شش، با حالی پریشان به سمت بیمارستان راه افتادم. وقتی مرا روی تخت گذاشتند، برخلاف این چند ماه، به خواب رفتم. در خواب دیدم، داخل حیاط دبیرستانمان هستم. در همین حین، آقایی را دیدم که وارد حیاط مدرسه شد. همین که چشمش به من افتاد، مرا به سمت خودش فرا خواند. با خوشحالی به سمتم راه افتادم. چند قدمی نرفته بودم که ناگهان با فریادی از سر شوق به دوستاتم گفتم: بچه‌ها، من با دارم. من با دارم.

♦ **بعد از این خواب حالتان تغییری هم کرد؟**

روز بعد، مرا به سمت اتاق عمل بردند. حال من آماده روی تخت خوابیده بودم و چراغ‌های اتاق عمل بالای سرم روشن شده بود، اما خبری از دکتر نبود. به ناچار مرا به اتاق ریکاوری بردند. در آنجا، هر کسی مرا می‌دید، از سرحالی من تعجب می‌کرد. یک ساعت بعد، خانم پرستاری که عفونت‌های بدن و محل زخم‌ها را پاک می‌کرد، بالای سرم آمد. او گفت: یوسفیان، معجزه شده که تو اینطور سر حال هستی؟

از طرفی برایم خبر آوردند، گروهی از پزشکان ساعت سه بعد از ظهر برای دادن آخرین شور درمانی، بالای سرم می‌ایند. رأس ساعت مقرر آن‌ها آمدند. یکی از پزشکان سرنگی باریک دستش بود تا به پشت من تزریق کنند. مرا با زحمت دمر کردند. همین که آن دکتر دستش برای تزریق جلو آمد، دکتر بنایی گفت: کبر کن دکتر. بعد زخم مرا بررسی کرد و گفت: درسته زخمش به اندازه یک بند انگشت قطر دارد ولی نیازی به این تزریق نیست. حتی نیازی به پیوند هم ندارد؛ به پلئسمان کردن زخم ادامه بدهید. یکی از پزشکان گفت: دکتر پس برای استخوان کمرش اقدام کنیم. دکتر بنایی دوباره گفت: نه. حالا زخمش را مدوا بزنیم تا با بیبینیم چه می‌شود.

♦ **از چه زمانی توانستید راه بروید؟**

مدتی مداوای زخم‌هایم طول کشید. بعد از آن فیزیوتراپی رفتم و یک سری ماساژ درمانی و سایر اقدام‌های پزشکی روی من انجام شد. اما هر چه اتفاق افتاد، تحت تأثیر همان توسل و خواب بود. چون من در جابم غلت زده بودم. بعد از مدتی توانستم روی ویلچر بشینم اما از سال ۶۳ دیگر توانستم راه بروم.

آنچه می‌خوانید

همسرهم زمانی هم سپاهم داشت و هم زمین، ولی اکنون هیچ کدام را ندارد. البته یک زمین دیگر هم مانده که آن را هم گذاشته که به قیمت خوب بفروشد تا بتوانیم این کانون را از نظر متراژ و دیگر امکانات توسعه بدهیم

♦ **از ازدواج آسان گفتید. این کارگروه با چه هدفی راه افتاد؟**

یادم هست خانمی پیش من آمد و گفت دختری را برای پسرش سراغ دارد، ولی چون صادر تائسی دارد، می‌خواهند او را با وجود سن کم به مرد مسنی بدهند و دختر راضی به این ازدواج نیست. از طرفی چون خانواده پسر هم دستان تنگ بود، نمی‌توانستند برای ازدواج این‌دو جوان کاری بکنند. تا آن زمان ما سفره عقدی نداشتیم و این ماجرا موجب شد که سفره عقدی تدارک بگیریم. یکی از خانم‌ها که خواهر شوهرشان قبلاً مزون عروس داشت و جمع کرده بود، به خاطر این ماجرا همه وسایل مزون خودش را به ما داد و سفره عقد ما جور شد. با محضر هم صحبت کردیم که خوشبختانه قبول کردند عقد این‌دو جوان را رایگان انجام بدهند. البته بعد از آن هم عقد اینجنا را نمیپا قبول کردند. با شورای ماشین‌های سسورای به خانه نوعروس بردیم. همه چیز هم برای زندگی این دو جوان جور شد، از سرورس چوب و تخت و روتختی تا یخچال و بخاری و هر چیز دیگری که برای شروع یک زندگی لازم است. یادم هست وقتی وسایل را به خانه داماد بردیم و خانم‌ها وسایل را چیدند، داماد سجده شکر کرد.

این صحنه خیلی برای ما تأثیرگذار بود. آن لحظه همه ما حس خوبی داشتیم و خوشحال بودیم که خدا کمک کرد و آن اتفاق خوب افتاد. این موجب شد که تهیه چیزیه برای دختران بی‌سرپرست تبدیل به یکی از فعالیت‌های ما شود.

♦ **چه جالب! در عرض ۲ روز چیزیه کامل شد؟**

بله. برای خود ما هم جالب بود. دو وانت چیزیه آماده کردیم و مقداری وسیله هم با ماشین‌های سسورای به خانه نوعروس بردیم. همه چیز هم برای زندگی این دو جوان جور شد، از سرورس چوب و تخت و روتختی تا یخچال و بخاری و هر چیز دیگری که برای شروع یک زندگی لازم است. یادم هست وقتی وسایل را به خانه داماد بردیم و خانم‌ها وسایل را چیدند، داماد سجده شکر کرد. این صحنه خیلی برای ما تأثیرگذار بود. آن لحظه همه ما حس خوبی داشتیم و خوشحال بودیم که خدا کمک کرد و آن اتفاق خوب افتاد.

این موجب شد که تهیه چیزیه برای دختران بی‌سرپرست تبدیل به یکی از فعالیت‌های ما شود.

♦ **یادتان هست چه مبلغی برای چیزیه دختر و پسری که گفتید هزینه کردید؟**

نه. چون شکل تهیه چیزیه هم متفاوت بود، نه.

مثلاً خانمی برای خودش همان روزها چرخ گوستنی قسطی خریده بود، اما چون این ماجرا پیش آمد، همان چرخ گوشت را قبل از این که یک بار هم از آن استفاده کند به عروس هدیه داد. اجناس گاز، بخاری و بقیه چیزها همگی به همین شکل جور شد. بعضی اقلام را هم خود خانم‌ها تهیه کردند.

♦ **از کاری که می‌کنید راضی هستید؟**

ببینید ما اینجا همراه جمعی از خانم‌ها جمع شده‌ایم و هر کدام از این افرادی که این جا به عنوان خادم کمک می‌کنند، کار خودشان را به نحو احسن انجام می‌دهند. چون با عشق کار می‌کنند و هدف آن‌ها هم رضایت خداست.

♦ **در این مدتی که این کانون را راه‌اندازی کرده‌اید، چه اتفاق خاصی در زندگی شما رخ داده که برای شما قابل تأمل بود؟**

کار همسرم به عنوان یک حامی و به عنوان کسی که سرمایه‌اش را در این کار صرف کرد تا این کانون شکل بگیرد، برای من خیلی تأمل‌برانگیز بود. همسرم زمانی هم سپه‌ام داشت و هم زمین، ولی اکنون هیچ کدام را ندارد. البته یک زمین دیگر هم مانده که آن را هم گذاشته که به قیمت خوب بفروشد تا بتوانیم این کانون را از نظر متراژ و دیگر امکانات توسعه بدهیم.

♦ **وقتی شما این همه وقت برای کاری که شروع کرده‌اید، می‌گذارید، حتماً باید از بخش‌هایی از زندگی شخصی خودتان بزنید؟**

بله. حتی گاهی این مسئله موجب می‌شود بعضی‌ها دیگر دور و بسر آدم نیایند، اما برای من کاری که شروع کرده‌ام مهم است. من زمانی خیلی اهل میهمانی دادن بودم، اما الان اگر قرار است هزینه‌ای بشنود، باید برای این مجموعه بشود. شاید برایتان جالب باشد اگر بدانید که من ۳ سالی می‌شود که میهمانی نداده‌ام. چون حالا خانواده بزرگی دارم که باید در کنار آن‌ها هم باشم و این موجب می‌شود که از بعضی از روابطی که قبلاً خانواده ما با دیگران داشت، کم شود.

♦ **پیش دبستانی و دارالقرآنی با رویکرد مهدویت**

نگرس بهرامی، مدیر داخلی دارالقرآن بیت العباس(ع) در خصوص برنامه‌های این بخش می‌گوید: دارالقرآن و پیش دبستانی این مجموعه با هدف تأمین هزینه‌های بیت‌العباس(ع) از سال ۹۳ فعالیت خود را آغاز کرده و همه ساله پدپزای بیش از ۳۰ کودک در رده سنی پیش دبستانی است.

وی ادامه می‌دهد: رویکرد پیش دبستانی و دارالقرآن بیت العباس(ع) در راستای مهدویت و آموزه‌های قرآنی بوده که از اول مهرماه تا پایان سال تحصیلی دایر است.

بهرامی بیان می‌کند: در راستای بر کردن اوقات فراغت دانش آموزان ایام تابستان نیز این بخش ۹۳ فعالیت خود را آغاز کرده و همه ساله پدپزای بیش از ۳۰ کودک در رده سنی پیش دبستانی است.

وی ادامه می‌دهد: رویکرد پیش دبستانی و دارالقرآن بیت العباس(ع) در راستای مهدویت و آموزه‌های قرآنی بوده که از اول مهرماه تا پایان سال تحصیلی دایر است.

بهرامی بیان می‌کند: در راستای بر کردن اوقات فراغت دانش آموزان ایام تابستان نیز این بخش ۹۳ فعالیت خود را آغاز کرده و همه ساله پدپزای بیش از ۳۰ کودک در رده سنی پیش دبستانی است.

وی ادامه می‌دهد: تهیه چیزیه برای نوعروسان بی‌بضاعت نیز از جمله اقدام‌های این مؤسسه



شهر انجام داده که این برنامه‌ها به صورت خودجوش و مردمی است و همچنان ادامه دارد. مرضیه احمدی مقدم، مسئول گروه تحقیق و شناسایی محرومان است. وی می‌گوید:

شناسایی خانواده‌های بی‌سرپرست، بد سرپرست و خانواده‌هایی که بیمار دارند، توسط تیم تحقیق مجموعه انجام می‌شود که در ابتدا این اقدام محدود به محله میثم شمالی بود که اکنون این عمل خیرخواهانه تا محله خواجه ربیع، رسالت، عباس آباد، حسینی محراب،

نیازمندی بانوان محله برگزار شود.

فیروز از تیم سنی نفره مهرورزان میثم شمالی می‌گوید که دغدغه‌اش رفع آسیب‌های اجتماعی این منطقه است و تاکنون در راستای رفع این آسیب‌ها گام‌های مؤثری برداشته‌اند.

♦ **اقدام‌های مجموعه در راستای معرفت‌زدایی**

مجموعه بیت‌العباس(ع) همچنین اقدام‌های مؤثری در جهت فقرزدایی مناطق حاشیسه

نقدی بر عملکرد «مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی» در گفت‌وگو با حجت الاسلام پژمانفر

تحریف امام ^{رحمته} با تاریخ نگاری جناحی

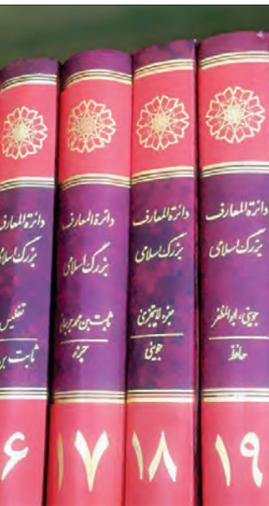
ا **معارف** | تحریف انقلاب و به دنبال آن استحاله نظام از میانه دهه شصت با محوریت مؤسساتی چون مرکز مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه کلمبیا که با حمایت مالی پهلوی‌ها و مدیریت بهائیتی چون احسان یارشاشر شکل گرفته بودند به عنوان جایگزینی برای براندازی سخت مطرح شد. بعد از جنگ تحمیلی و شکل گیری هسته‌های همفکر این مؤسسات در داخل کشور شاهد تسلط جریان برانداز بر روند تاریخ نگاری و تحلیل انقلاب اسلامی بودایم. این هجمه‌ها چنان قوی بوده که رهبر معظم انقلاب در سخنرانی سالگرد رحلت امام خمینی(ره) در سال گذشته تحریف امام(ره) را بسپاری جدی خوانده و همگان را به مقابله با آن فراخواندند. به همین مناسبت و با توجه به انتشار مجلد ۲۳ کتاب مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی که فعالیت هایش طی سال‌های اخیر و تحت مدیریت یک جناح خاص سیاسی توجهات بسپاری را به خود جلب کرده، در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین نصرالله پژمانفر نماینده مردم مشهد و کلات و نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به ابعاد تحریف در تاریخ انقلاب و به طور ویژه تحریف شخصیت امام خمینی(ره) پرداخته‌ایم.

♦ **جناب آقای پژمانفر اساساً تحریف به چه روندی می‌گویند و ابعاد مختلف آن را چگونه می‌توان شناسایی کرد؟**
یکی از خطراتی که جریانات اصیل و ناب را تهدید می‌کند، موضوع تحریف است. تحریف به معنای وارونه کردن و از بین بردن حقیقت یک شیء- است که آن حقیقت گم و به نسل‌های بعد به صورت غیرواقعی و وارونه منتقل می‌شود. تحریف همیشه به عنوان یک تهدید برای جریان‌های ناب وجود داشته است و اگر نگاه کنید در صدر اسلام هم تحریف است که می‌تواند شخصیت بزرگی مثل امیرالمؤمنین(ع) را به شخصیتی که مردم حتی در نماز خواندنش تردید می‌کنند تبدیل کند و وقتی خیر شهادت امیرالمؤمنین(ع) به شام می‌رسد مردم تعجب کرده و می‌گویند مگر علی اهل نماز بوده؛ تحریف همیشه به یک شکل نبوده و به شکل‌های گوناگون خودش را نشان می‌دهد. یکی از اشکال تحریف تطهیر بعضی از اشخاص است. شما نگاه کنید اشخاصی که چهره‌های منفوری بودند و ظلمشان هنوز در بین عامه مردم فراموش نشده است مثل پهلوی اول و دوم، این‌ها را به اشکال مختلف تطهیر کرده و به عنوان منجی نشان می‌دهند، کاری که شبکه‌های معادل مثل BBC انجام می‌دهند.

یک نوع تحریف دیگر جعل تاریخ است، یعنی دروغ‌هایی را در تاریخ می‌گویند که این‌ها خود منشأی برای سایر دروغ‌ها برای نسل‌های آینده می‌شود. یک تحریف به تقیصه داریم. یعنی بسپاری از وقایع مهم تاریخ را ذکر نمی‌کنند و به سمت فراموشی می‌برند یا جهت دار نویسی که گاه یک خادم را خائن نشان می‌دهد و گاهی یک خائن به عنوان خادم به مردم معرفی می‌شود.

♦ **اگر تحریف را به معنای قلب و ایجاد نقص در روایت‌های تاریخی بدانیم، شاهد نمونه‌های معاصر آن هم بوده‌ایم. انتشار گسترده روایت‌های جعلی از سیر مبارزاتی سید جمال الدین اسسندآبادی هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی با روایت ناقص از برخورد قصابی با مجرمان گروهای منافقین در دهه ۶۰ از این دست تحریف‌ها هستند، اگر به طور مشخص به تحریف امام خمینی(ره) بپردازیم چه مصداق‌هایی برای آن قابل ذکر است؟ به نظرم همه دستداران انقلاب متفق القول هستند که تحریف امام خمینی(ره) یعنی تحریسف اصول انقلاب اسلامی و در نهایت استحاله نظام ولایت فقیه. لطفاً به صورت مصداقی به این مسئله بپردازیم.**

در صحبت‌هایی که در سالگرد رحلت امام(ره) وجود داشت رهبر بزرگوار انقلاب، یکی از نگرانی‌های خود را تحریف شخصیت امام(ره) عنوان کردند که این موضوع باید به صورت جدی ملاحظه و مراقبت شود. یکی از نگرانی‌هایی که وجود دارد منابع و مرجع‌هایی است که ممکن



است به عنوان مستند برای تاریخ از آن‌ها سواستفاده گردد و باید با دقت بیشتری روی آن‌ها کار شود.

در اسفند سال ۶۲ یک مجموعه‌ای با نام «دایره‌المعارف بزرگ اسلامی» در تهران زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی برادر سید محمد موسوی بجنوردی راه اندازی شد. نخستین جلد این دایره‌المعارف هم در سال ۷۰ منتشر گردید. بودجه‌های کلانسی هم دریافت کرده و می‌کنند. زمین گرفتند، امکانات زیادی از نظام اسلامی دریافت کردند و خب انتظار این است که حتی کوچک‌ترین مشکلی در انتشار این دایره‌المعارف وجود نداشته باشد. اما متأسفانه این دایره‌المعارف با توجه به اشکالاتی که اشاره خواهیم کرد تهیه و تنظیم شده است. دایره‌المعارفی در خارج از کشور به نام «ایرانی‌ها» توسط ضدانقلاب آمریکانشین نوشته شده و جالب این است که این مجموعه

برش

یک نوع تحریف دیگر جعل تاریخ است، یعنی دروغ‌هایی را در تاریخ می‌گویند که این‌ها خود منشأی برای سایر دروغ‌ها برای نسل‌های آینده می‌شود. یک تحریف به تقیصه داریم. یعنی بسپاری از وقایع مهم تاریخ را ذکر نمی‌دهد و گاهی یک خائن به عنوان خادم به مردم معرفی می‌شود.

مرتبط با ضدانقلاب، نامه نگاری‌های متعددی با دایره‌المعارف بزرگ اسلامی انجام داده و بابت محتوای این دایره‌المعارف تقدیر و تشکر داشته‌اند. این خود جای نگرانی است.

در دایره‌المعارف تا ۲۲ جلدش چاپ شده و در نمایشگاه کتاب اسال نیز جلد۲۳ آن منتشر شد. لازم است دقت شود بخصوص در کسانی که منسوب به امام هستند، مثلاً جناب آقای سیدحس خمینی که در جلسه‌ای با نویسندگان این دایره‌المعارف و درباره مدخلی که درباره امام(ره) است از این دایره‌المعارف تعریف و تمجید کرده که به نظر من خودش جای تأمل دارد.

در مدخل مربوط به امام خمینی(ره) این دایره‌المعارف در حدود ۱۰۰ صفحه از صفحه ۶۷۴ تا ۷۶۴. جناب آقای حاج منوچهری، آقای پاکتچی و بخصوص آقای حمید انصاری که خود در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) فعالیتند نقش دارند.

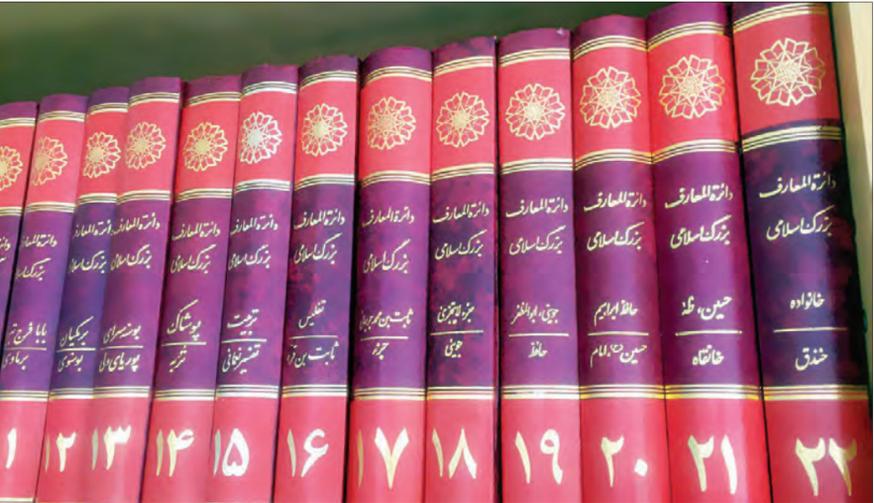
در این مدخل ۹ بخشی، ایرادات زیادی وارد است که در اینجا من به بخش روایت تاریخی زندگی امام(ره)، فرزندان امام(ره) و نهضت سیاسی ایشان اشاره خواهیم کرد و بررسی بخش‌های مربوط به اندیشه فقهی و سیاسی امام(ره) جای بررسی مبسوط تری دارد.



♦ **دایره‌المعارف یعنی کتاب مرجع در تحقیقات بعدی. چگونه امکان دارد در مورد شخصیتی که در رحلت ایشان تنها ۲۹ سال گذشته چنین اشتباهی مرتکب شوند؟ آیا مصداقی برای این سخنان دارید؟**

من در سه لایه نقد خودم را مطرح می‌کنم که این نقد مستند به کتابی است که با وجود گذشت یک سال از چاپ و انتشار آن، نه تنها پاسخی بدان داده نشده بلکه با سکوت از کنار اشکالات فراوانی که دارد گذشته‌اند. کتابی توسط آقای مقدمی شهیدانی با عنوان «نقدی بر مدخل «خمینی، روح‌الله» در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی» نوشته شده که من در بخشی به آن اشاره خواهم کرد. لایه اول نقد، نقد ساختاری و شکلی است. مثلاً در یک مجموعه‌ای با این هزینه و امکانات و تجهیزات، وحدت رویه برای استفاده از توریخ وجود ندارد. برخی تاریخ شمسی است و برخی قمری. خطاهای بسپاری در محاسبات سال شمار زندگی امام(ره) و وقایع این نهضت وجود دارد. وحدت رویه در القاب و عناون به هیچ وجه وجود ندارد و حتی عطف‌هایی که در این مدخل استفاده شده بسیار خسته کننده است. کاربرد ناصحح اصطلاحات علمی غلط‌های زیاد الالمی و ویرایشی، ابهام گویی و تناقض گویی راه می‌توان جزو اشکالات عمده چنین کتابی دانست که قرار است به عنوان کتاب مرجع در جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرد و ریزبنده نیست. کتابی که سی و اندی سال برای آن هزینه‌های فراوانی شده است.

نقد دوم موضوع منابع و ارجاعات است که در این بخش دارای اشکالات فراوان است، اما من بیشتر به تحریفاتی که در خود این دایره‌المعارف است می‌پردازم. بخش‌های مهمی از نهضت امام(ره) در این دایره‌المعارف حذف شده است. جشن‌های مربوط به آزادی امام(ره) در سال ۱۳۴۳، اعلامیه ۱۲ امضایی مربوط به مرجعیت امام(ره) در سال ۴۹، تحولات روز ۱۲ بهمن، ستاد استقبال و نقش شهید مطهری در این موضوع، پایه گذاری روز قدس و جایگاه آن در اندیشه امام(ره)، بسپاری از نامه‌ها و نکات مربوط به تسخیر لانه جاسوسی، موضوع جنایت‌های گروگک منافقین و سیر مجازات آن‌ها از سال ۶۰ تا ۶۷ و موضوع مهم انتصاب و عزل آقای منتظری تنها بخشی از این حذفیات مهم است. این‌ها بخشی از صدها مورد تاریخی است که نباید به فراموشی سپرده شود ولی در این دایره‌المعارف به آن‌ها توجهی نشده است. بخش دیگری از تحریفات را هم باید با عنوان «تحریفات معنوی» ذکر کنیم، مثلاً در بسپاری



نقاط دنیا اگرا کوچک‌ترین اشتباهی در کتاب‌های مرجع باشد آن‌ها را جمع آوری، بازبینی و اصلاح می‌کنند. سؤال من این است که چرا با وجود چنین تحریفاتی در مورد امام(ره)، در مقابل آن سکوت می‌شود و هیچ واکنشی رخ نمی‌دهد.

♦ **برخی محققان از اشتباهات فاحش در ذکر نام اساتید و شاگردان حضرت امام(ره) در این مدخل صحبت کرده‌اند و یا شرح زندگی آقا مصطفی خمینی را پر از ایراد و تحریفات مسلّم می‌دانند. نمونه‌هایی برای این موضوع وجود دارد؟**

در مورد اساتید امام(ره) هشت اشتباه قطعی صورت گرفته است. بعضی اسامی را اشتباه گفته‌اند، اسامی برخی را جای‌جا ذکر کرده‌اند یا تعبیر غلطی نسبت به این مسئله دارند. یا درباره رابطه امام(ره) با مرحوم آقای ششاه آبادی و سال‌های ارتباط اشتباهات فراوانی وجود دارد که غیرقابل دفاع است. در حوزه درسی برخی افراد را شاگرد امام(ره) معرفی کرده‌اند که وقتی با خود ایسن عزیزان مصاحبه می‌کنند می‌گویند ما شاگردی امام(ره) را نداشتیم. آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله مدوحی و آیت الله سیدموسی شبیری زنجانی خود را از شاگردان امام(ره) معرفی نکرده‌اند، حال اینکه در این دایره‌المعارف به عنوان شاگردان امام(ره) معرفی شده‌اند.

یکی از نکته‌هایی که قابل دفاع نیست تحریفی است که در زمینه آقامصطفی خمینی در این مدخل وجود دارد. بعضی از بزرگان را به عنوان استادان آقامصطفی ذکر کرده‌اند در حالی که در واقعیت هیچ نسبت استادی با آقامصطفی نداشته‌اند، مثلاً آقای بجنوردی را به عنوان استاد آقامصطفی معرفی می‌کنند در حالی که هیچ نسبت استادی و شاگردی نداشتند. اینکه گعده‌های طلبگی و مباحثه بین آقامصطفی و آقای بجنوردی را نسبت استاد و شاگردی معرفی کنند درجست نیست. به پیامدهای شهادت آقامصطفی که منجر به انقلاب شد اصلاً اشاره نشده است. واکنش امام(ره) به شهادت ایشان اصلاً درج نشده است. سیره آقا مصطفی که باید در تاریخ انقلاب بدان توجه کرد واقعاً سانسور شده است. آقامصطفی مواضع صریحی در موضوعاتی چون «شهید چلویی» و «دکتر شریعتی» داشتند که به هیچ کدام اشاره نشده است و اجحاف بزرگی در حق ایشان است.

برش

در ایین دایره‌المعارف وجود یک تاریخ نگاری خطی و جناحی است که ما نسبت به این موضوع واقعا نگران هستیم. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) با این موضوع کاملاً غیرحساس مواجه شده و ایین نگرانی را تشدید می‌کند. دایره‌المعارف دیگری نیز در موضوع تشیع در حال نگارش است که ایین هم جای نگرانی دارد که بخشی چاپ شده و در آن هم ما شاهد تحریفات متعددی هستیم

داشتند و با تزور مخالف بودند، اگرچه امام(ره) از برخی از ایین افراد مانند نواب صفوی حمایت می‌کردند اما مشرب امام(ره) این نبود که امور خود را با تزور جلو ببرند. در موضوع تسخیر لانه جاسوسی، متأسفانه دایره‌المعارف آن را با عنوان «اشغال سفارت» مطرح می‌کند در حالی که امام(ره) آن را تسخیر لانه جاسوسی می‌دانستند که جنایت‌های آمریکا در آنجا برنامه ریزی می‌شد. از این دست تحریفات موارد فراوانی وجود دارد. اما نقد سوم اشتباهات فاحشی است که در ثبت تاریخ تولد امام(ره)، ازدواج امام(ره) و حتی از تحال و تشییع امام(ره) رخ داده است. اشتباهاتی که اساساً قابل دفاع نیست. شما چطور می‌توانید با دانشبن عنوان دایره‌المعارف چنین اشتباهات فاحشی داشته باشید؟ اشتباهات گسترده در معرفی اجداد و خاندان امام(ره) وجود دارد، یعنی جد ششم امام(ره) را میرحامد حسینی هندی معرفی می‌کنند که صاحب عقبات الاوتار است که در حالی که ایشان متوفای سال ۱۳۰۶ قمری بوده و امام(ره) را متولد ۱۳۲۰ قمری معرفی می‌کند. یعنی فاصله ۶ نسل را ۱۴ سال معرفی کرده اند! اشتباهات فاحشی که در زندگینامه امام(ره) قابل قبول نیست. اغلاط فراوانی مربوط به مهاجرت جد امام(ره) به نجف و خمین وجود دارد. در دیگر

معارف

معارف

سه‌شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۹۷

۲۷ رمضان ۱۴۳۹ | ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۷۰۶ |

قصار الآیات

زمین قلبت را به باران هدایت الهی بسپار

*** سید مصطفی حسینی راد**

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ

«و آن‌ها که هدایت‌پذیر شدند، [خدا] بر هدایتشان افزود و [روح] تقوایشان بخشید»

(سوره مبارکه محمد(ص) آیه ۱۷)

زمین‌ها با هم متفاوتند؛ زمین خوب و حاصلخیز با اولین باران بهاری، آماده رویش می‌شود. این زمین مدام به سبز شدن و رستن فکر می‌کند و همه توتاش را ذخیره می‌کند تا با رسیدن آب، بروید و بار دهد و سبز شود. اما زمین بد و شوره‌زار، هزار بار هم که آبیاری شود، گیاهی در آن نمی‌روید و حاصلی نمی‌دهد.

قلب انسان درست مانند زمینی است که باید برای حاصلخیز شدن آن تلاش کرد. گناهان، زمین قلب را تبدیل به شوره‌زار می‌کنند و در چنین زمینی تخم «عمل صالح» رشد نمی‌کند و گیاه معرفت نمی‌روید.

همه ما ضرب المثل معروف «از تو حرکت، از خدا برکت» را شنیده‌ایم. در عالم معرفت و در راه سلوک هم این قاعده، جریان دارد و آیه شریفه هم به همین موضوع اشاره دارد. یعنی وقتی تو پای در راه خدا گذاشتی و «هدایت‌پذیر» شندی، خداوند هم خودش به تو کمک می‌کند و تو را «هدایت» می‌کند و به تصریح آیه شریفه، بر هدایت می‌افزاید. میوه و نتایج این هدایت نیز «تقوا» است که خود عامل سعادت دنیوی و اخروی انسان است.

در آیه ۶۹ سوره عنکبوت نیز می‌فرماید: **« وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ »** یعنی کسانی که در راه ما تلاش می‌کنند، یقیناً آن‌ها را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم.

کسی که پذیرش هدایت الهی سر باز زند و آن را نپذیرد، زمین قلبش را تبدیل به شوره‌زار و سنگلاخ کرده است و در زمین سنگلاخی چه چیزی می‌روید جز خار و خشاک؟ جای گل در «قلب سلیم» است یعنی همان قلبی که ابتدا هدایت را پذیرفته و به ندای الهی لبیک گفته و سپس با باران‌های هدایت روزافزون خداوند، آبیاری شده است.

زمین قلب ما نیز به بیل زدن و شخم خوردن دارد تا آماده پذیرش بذر هدایت شود. کسی که به خواهش‌های نفسانی و تحریکات و وسوسه‌های شیطانی «نه» می‌گوید، زمین قلبش را شخم می‌زند و آن را آماده می‌کند برای پذیرش بذر هدایت و کسی که به شیطان و هوای نفس «اری» می‌گوید، خداوند بر قلب او مهر می‌زند و قلبش دچار بیماری و مرض می‌شود و دیگر هیچ گیاه پاک و شجره طیبه‌ای در قلبش نخواهد روید. چنانکه در آیات ۷ و ۱۰ سوره بقره می‌خوانیم: «خدا بر دل‌ها و گوش‌هایشان مهر نهاده و بر چشمشان پرده‌ای است و برای آن‌ها عذابی بزرگ خواهد بود.» نیز: «در دل‌هایشان بیماری است، پس خدا بر بیماری‌شان می‌افزاید.»

بله! سنت خداوند متعال این است که هر که دنبال هدایت باشد کمکش می‌کند و بر هدایتش می‌افزاید و هر که دنبال «مرض» و بیماری گناه باشد و خدا را فراموش کند خدا نیز او را به حال خودش وامی‌گذارد و در نتیجه مرض و بیماری او افزونی می‌یابد و موجب سقوطش خواهد شد.

خبر

آیت الله مکارم شیرازی:

تا مسئله بانکداری حل نشود مشکلات اقتصادی پابرجاست

حوزه: آیت الله مکارم شیرازی قلب را ابزار تأسف از اینکه بعضی از بانک‌ها به وظایف شرعی عمل نمی‌کنند، گفت: بنده معتقدم هنوز مسئله بانکداری در این کشور حل نشده است. این مرجع تقلید افزود: باید فکری برای بانک‌ها کرد و تا مسئله بانک در این مملکت حل نشود، اقتصاد ما همچنان ناسامان خواهد بود.

وی با بیان اینکه بانک‌ها می‌توانند به مسائل اقتصادی و تولیدی شکل بدهند، تصریح کرد: این کار مهمی است که سرمایه‌های کوچک، سرگردان نشود و تبدیل به سرمایه بزرگ شود و کار اقتصادی مهم با این انجام شود. وی با اشاره به تأکید اسلام مبنی بر اینکه بانکداری رباخوار ممنوع است و جایز نیست، اظهار کرد: بانک‌ها باید مطابق هشت نوع عقود شرعیه نظیر مضاربه و مشارکت عمل کنند. وی گفت: یکی دیگر از کارهای اخلاقی که افرادی را به خاک سیاه نشانده، دریافت جریمه‌های دیر کرد است.

۸۰درصد آثار موزه ملی قرآن کریم به مرمت نیاز دارند

صبا کریمی: مدیر موزه ملی قرآن کریم با انتقاد از بودجه ۱۰ میلیونی برای مرمت آثار موزه قرآن کریم گفت: با این بودجه هیچ مرمت کاری حاضر به همکاری نشد و نمی‌توان با این پول کار خاصی انجام داد.

حجت الاسلام امیر لهراسی در خصوص آسیب‌های سقف موزه و چکه کردن آن در زمان بارندگی عنوان کرد: موزه در عمق ۱۵متری زمین واقع شده و قاعدتاً رطوبت بسپاری زیادی در آن محیط وجود دارد و در زمان بارندگی سقف چکه می‌کند و باعث آسیب به آثار موزه می‌شود.

وی افزود: در خبری آمده که ۸۰ درصد آشlar بر اثر این چکه کردن‌ها آسیب دیده‌اند در حالی که واقعیت این است که ۸۰ درصد آثار به طور کلی نیازمند مرمت هستند و البته اغلب این آسیب‌ها از طریق رطوبت اتفاق افتاده است.

لهراسیی تأکید کرد: ما در موزه آثار را در دو بخش مخزن و نمایشگاه نگهداری می‌کنیم که البته مخزن خوبی هم داریم اما مشکل اصلی ما در بخش نمایشگاهی است که متأسفانه اصلاً اوضاع خوبی ندارد و مهم‌ترین دلیل آن هم رطوبت است و زمانی که وارد سقف می‌شود کاملاً این رطوبت را احساس می‌کنید و بسیار محسوس است. ضمن اینکه ویرتین‌ها هم بسپاری غیراستاندارد است و در کل نمایشگاه شاخص‌های استاندارد لازم را ندارد.

وی عنوان کرد: بودجه‌ای که برای مرمت این آثار در نظر گرفته شده ۱۰ میلیون تومان است که جزو بودجه‌های جاری محسوب می‌شود و در واقع رقمی نیست که بتوان با آن کاری انجام داد و هیچ مرمرنگری حاضر نشده با این پول کار انجام دهد. البته یک مقدار کار صحتایی انجام شده و به قدری پیگیری مستمر کردیم که بودجه‌ای مصوب کردند تا بتوانیم مرمت عمرانی را در برنامه هایمان بگنجانیم.

چیزهای کوچکت را هم از خدا بخواه تا بفهمی که حقیرِی.

بدانی که گاهی اوقات، یک پشه یا مگس، انسان را از کار می‌اندازد و آسایش وی را می‌گیرد؛ «وَإِنْ يَسْأَلِيَهُمُ الذَّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ؛ هرگز بر خلقت مگسی هر چند همه اجتماع کنند قادر نیستند، و اگر مگس (توانان) چیزی از آن‌ها بگیرد قدرت بر باز گرفتن آن ندارد، (بدانید که) طالب و مطلوب (یعنی بت و بت‌پرست یا عابد و معبود یا مگس و بتان) هر دو ناچیز و ناتوانند». این است که دعا برای تضرع پیش خداست. برای عرض حاجت پیش خداست؛ برای تواضع و برای بیرون آمدن از پوسته دروغین استکبار و استعلاست.
خدای متعال گاهی برای من و شما مشکلاتی به وجود می‌آورد تا وادار به تضرع و توجه و خشوعمان کند. همان طور که در آیات کریمه قرآن می‌فرماید: «و لقد ارسلنا الی امم من قبلک۔ کانا یعملون». این تضرع نه برای خدا که به خاطر خود ماست.

خدا احتیاجی به تضرع من و شما ندارد.

تیشه زان بر هر رگ و بندم زنند

تا که با مهر تو بیوندم زنند

دارالشفا

راهکاری برای شفای دردهای جسمانی و اخلاقی



دستاوردهای دعا فرمودند: «خاصیت دعا این است که نفسانیات را می‌شکند، از این روستت که گفته‌اند حتی رهبر معظم انقلاب با اشاره به یکی دیگر از خواص و

♦ **دعا نفسانیات را می‌شکند**

معارف: امام باقر و امام صادق(ع) راهکارهای شفای دردهای جسمانی و اخلاقی را در گروهی یک عمل معرفی کردند.

جلب روزی، دفع بلا، شفای دردها، به دست آوردن منزلت نزد خداوند، نجات از دوزخ، آرامش روانی، کسب معرفت در پرتو مضامین ادعیه و مناجات از دستاوردهای مادی و معنوی دعا و مناجات محسوب می‌شود که در روایات متعددی به آن‌ها اشاره شده است.

به عنوان نمونه امام صادق(ع) در روایتی یکی از دستاوردهای دعا را شفای دردها(مادی و معنوی) بر شمردند و فرمودند: «بر شما یاد به دعا کردن، زیرا دعا شفای هر دردی است. پس هر وقت دعا کردی گمان کن که حاجتت در جلوی در خانه توست؛ عَلَیْکُم بِالدَّعَاءِ فِائَهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ إِذَا دَعَوْتَ قَطُنْ أَنْ حَاجَّتْکَ بِالْبَإِبِ».

امام باقر(ع) در روایتی دیگر در این باره به محمد بن مسلم فرمودند: «یا تو را آگاه کنم به چیزی که داروی هر دردی حتی مرگ است؟ گفت: بله. حضرت فرمودند: دعا! ألا أخبرک بما فیه شفاءٌ من کلِّ داءٍ و سام؟ قلتُ: بلی، قال: البعاء».

اخبار

موسوی گرمارودی:

مرحوم سبزواری شیخ الطایفه بود



تسنیم: سیدعلی موسوی گرمارودی شاعر پیشکسوت کشور با بیان اینکه مرحوم حمید سبزواری بیشتر با سرودهای انقلابی‌اش شناخته می‌شود، اظهار کرد: ایشان که در سرود استاد نبودند؛ بلکه همه قالب‌ها و حوزه‌های شعری را با استادی تمام و با زبان فخیم که همان زبان خراسانی است، آموود. وی افزود: در مرحوم سبزواری دفاتر متعدد شعری در قالبیهای متفاوت به جا مانده است و ایشان را می‌توان به نوعی «شیخ الطایفه» دانست. موسوی گرمارودی همچنین اظهار داشت: مرحوم سبزواری در حوزه مضمون نیز تجربه‌های بسیاری را پشت سر گذاشت و در دوران حیات خود در زمینه‌های جنگ تحمیلی، شهادت، انقلاب اسلامی، عاشقانه و شعر اعتراضی و اجتماعی و… به سرایش شعر پرداخت. این شاعر پیشکسوت در توصیف زندگی و درگذشت مرحوم حمید سبزواری گفت: تنها می‌توانم به این مصرع از شعر حافظ اشاره کنم که می‌فرماید: «ظنیر خویش بنگذاشتند و بگذاشتند». گفتنی است؛ حسین متحنی، متخلص به حمید در سال ۱۳۰۴ در سبزوار متولد شد و بعدها به حمید سبزواری شهرت یافت. هفت دفتر شعری با عناوین «سرود درد»، «سرود سپیده»، «کاروان سپیده»، «یاد یاران»، «گزیده ادبیات معاصر»، «به رنگ امده دشمن»، «سرودی دیگر» از حمید سبزواری به چاپ رسیده است. حمید سبزواری دارای مدال درجه یک هنر در رشته ادبیات است و اولین شاعری است که کتاب شعرش با عنوان (سرود درد) در سال ۱۳۷۵ کتاب سال شناخته شد. استاد حمید سبزواری شاعر پیشکسوت انقلاب به دلیل کپولت سن و بیماری، بامداد شنبه ۲۲ خرداد ۹۵ در سن ۹۱ سالگی در بیمارستان ترنبا دارفانی را وداع گفت.

بر نامه نقد کتاب «عصر اثر» به رمان خسرو عباسی می‌پردازد

«سنگ یحیی» زیر سنگ محک شهرستان ادب فارسی: تازه‌ترین برنامۀ از سری برنامه‌های نقد کتاب «عصر اثر» به نقد و بررسی مجموعه‌داستان «سنگ یحیی» خسرو عباسی خودلان می‌پردازد. در پنجمین برنامه از دوره جدید «عصر اثر»، مجید قیصری و قباد آذرآئین از نویسندگان و منتقدان شناخته شده به نقد و بررسی مجموعه داستان «سنگ یحیی» نوشته خسرو عباسی خودلان می‌پردازند. مجری و کارشناس ثابت سلسله جلسات «عصر اثر» داستان مجید اسطری نویسنده و پژوهشگر جوان است. گفتنی است که دوره اول سلسله جلسات «عصر اثر» تنها به کتاب‌های شاخص منتشر شده در حوزه شعر اختصاص داشت و از این میان جلسات کتاب‌های، «گزیده اشعار علی معلم دامغانی»، «یستاتنگاری و شعر معاصر» یوسفعلی میرشاک، «مماش» مرتضی‌امیری‌اسفندقه، «لحظه جهان» قربان ولیتی، «فض بوک» ناصر فیض و «آتش گردان» امید مهدی‌نژاد و «هذآکرات» مریم جعفری آذرمانی بر گزار و با استقبال مخاطبان حوزه شعر و ادبیات روبه رو شد. حال بر گزار کنندگان جلسات «عصر اثر» در نظر دارند که در دوره جدید این برنامه علاوه بر کتاب‌های حوزه شعر به نقد و بررسی آثار منتشر شده در حوزه ادبیات داستانی نیز بپردازد. جلسه نقد و بررسی کتاب «سنگ یحیی» در روز سه‌شنبه بیست و دوم خرداد ماه از ساعت ۱۸:۳۰ به همراه ضیافت افطار در مؤسسه فرهنگی شهرستان ادب به نشانی تهران، خیابان دکتر شریعتی بالاتر از خیابان آیتالله طالقانی، روبه‌روی سینما صحرا، پلاک ۱۶۸ برگزار می‌شود.

گزارشی از مراسم معرفی برندگان جایزه تئاتر «نونی» یک آهنگساز ایرانی اسکار تئاتر را گرفت
فارس: نمایش «هری پاتر» در شب اعلام جوایز تئاتر «نونی» چند جایزه از جمله «بهترین نمایش» را نصیب خود کرد. در این مراسم «هری پاتر: کسودک نفرین‌شده» موفق به کسب جایزه «بهترین نمایش» و «بازدید گروه» نیز به عنوان «بهترین نمایش موزیکال» اعلام شد

ر ابرت دنیرو: لعنت بر ترامپ!
این مراسم البته بی حاشیه نبود و بسیاری از گروه‌ها پیام خود را رساندند، چه گروه‌های مخالف آزادی سلاح در آمریکا و چه گروه‌های مخالف قانون مهاجرتی ترامپ. از همه قابل توجه‌تر حضور و سخنرانی «رابرت دنیرو» بود که هنگامی که می‌خواست اجرائی از «پروس اسپرینگستین» را معرفی کند بی مقدمه گفت «لعنت بر ترامپ!» و همین سخن دنیرو باعث تشویق تمامی حاضرین در مراسم شد. بزرگ‌ترین برنده مراسم دیشب نمایش «هری پاتر» بود که موفق شد ۶ جایزه نونِی را از آن خود کند. این نمایش با بودجه ۶۸ میلیون و ۵۰۰ هزار دلاری گران‌قیمت‌ترین نمایش تاریخ است. جایزه «بهترین اثر کستراسیون موسیقی نمایش موزیکال» نیز برای همین نمایش موزیکال «بازدید گروه» بود که به جمشید شریفی آهنگساز ایرانی ساکن آمریکا رسید.

برگزاری دوره‌های آموزشی درست‌نویسی و روایت مهر: دو دوره آموزشی با عنوان «مبانی روایت در داستان» و «درست‌نویسی در زندگی روزمره» از هفته نخست تیرماه توسط دو تن از داستان‌نویسان برگزار می‌شود. کامران محمدی داستان‌نویس با اعلام این خبر گفت: من دوره مبانی روایت در داستان را می‌گویم و محسن فرجی، مدرس دوره درست‌نویسی در زندگی روزمره است. این دو دوره ۱۰ جلسه‌ای کم‌هزینه و مکمل یکدیگرند، چرا که برای روایت زیبا، تسلط به زبان هم ضروری است. نویسنده رمان «مه» افزود: در دوره مبانی روایت، هدف این است که با اولین ویژگی‌های روایت جذاب و درست آشنا شویم و نگارش داستان‌های اثرآیند کنیم. معتقدم این همان نکته‌ای است که در کنار رفع اشکالات ابتدای زبان، برای شروع کار نوشتن، لازم است. نویسنده مجموعه‌داستان «رولت روسی» همچنین یادآور شد: غرض این است که بعد از ایمن دوره‌ها، علاقه‌مندان جدی‌تر و مستعدتر، در دوره‌های پیشرفته‌تر با مسائل دیگری از جمله ایده‌پردازی داستانی، شخصیت‌پردازی، ساختارهای غیرخطی و… نیز آشنا شوند. محسن فرجی نیز به عنوان مدرس «درست‌نویسی در زندگی روزمره» درباره این دوره آموزشی گفت: یکی از مشکلات ارتباطی در جامعه ما نرسیدن به زبانی پاکیزه و قابل فهم در تعاملات روزمره است. به همین دلیل تصمیم گرفتم طی ۱۰ جلسه به اصلی‌ترین خطاهای ویرایشی و نگارشی برداریم و جایگزین‌های استاندارد این خطاها را معرفی کنیم.

ادب و هنر/ خدیجه زماپیان – موسوی ا

۲۰ خرداد در تقویم‌های ما روایت روزهای غربی از تاریخ این سرزمین است که مردمی برای احقاق حقوق اولیه خود قیام تاریخ‌سازی را در افق مقاومت این کشور رقم زدند. قیامی که از اسمش حماسه می‌یارد و بر گه‌های تقویم به رهبر شجاعش افتخار می‌کند. قیامی علیه نفی هرچه سلطه است و زور گوئی؛ «قیام دلبران تنگستان». مردم استان امروزی بوشهر و فارس قدیم به کرات در برابر متجاوزان خارجی به خصوص دولت‌های استعمار گر آن زمان یعنی هلندی‌ها و انگلیسی‌ها و برتغالی‌ها قرار گرفتند و ایستادگی کردند. تجربیات زیادی که از حضور استعمارگران در اندام مردم استان امروزی بوشهر و فارس قدیم در دوره‌های مختلف شکل گرفته است نوعی فرهنگ مقاومت در برابر بیگانگان را در بین مردم این خطه به ارمان آورده است، و به اعتبار منطق تاثیر و تاتار ادبیات و هر فرهنگ انسانی دیگری، این روحیه مقاومت به ادبیات این منطقه رنگ و بوی متفاوتی داده است. روحیه‌ای که به واسطه حضور پررنگ انگلیس و سیاست‌های استعماری‌اش رفتارفرهنگی نوعی ادبیات ضدانگلیسی در جنوب کشور به وجود آورد. برای تبیین شاخصه‌های ادبیات ضدانگلیسی در بوشهر و وضعیت آن در ادبیات امروز گفت‌وگویی با سیدقاسم یاحسینی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید:
یاحسینی یکی از پرکارترین نویسندگان بوشهری به شمار می‌رود که از سال ۷۰ تاکنون نزدیک به ۷۰ کتاب درباره تاریخ بوشهر و تنگستان نوشته است. میهمان فشنگاه چیگتی، آخرین شلیک، زیتون سبزه و… از جمله کتاب‌های این نویسنده است که همگی توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است.

اولین بارقه‌های ادبیات ضدانگلیسی در کدام منطقه بوشهر و توسط چه کسانی زده شد؟ آیا این ادبیات قبلاً هم سابقه داشته یا فقط به واسطه حضور استعماری انگلیس بوده است؟

بله این کار خوشبختانه چاپ شده و در دسترس است. همچنین شخصی مانند آیتاله بسلاوی یادداشت‌های روزانه‌ای همزمان با حضور انگلیسی‌ها نوشته و تمام وقایع جنگ را ثبت و ضبط کرده است. بنابراین همزمان با حضور انگلیسی‌ها به معنای وسیع کلمه ادبیات ضد انگلیسی هم رواج پیدا می‌کند. بعدها در زمان رضاشاه و در سال ۱۳۱۰ «دلبران تنگستانی» را می‌نویسد و دو سال بعد همین نویسنده کتاب «فارس و جنگ بین الملل» را می‌نویسد که در این دو کتاب ادبیات ضد انگلیسی مشهودی جریان پیدا می‌کند.

اولین بارقه‌های ادبیات ضدانگلیسی در کدام منطقه بوشهر و توسط چه کسانی زده شد؟ آیا این ادبیات قبلاً هم سابقه داشته یا فقط به واسطه حضور استعماری انگلیس بوده است؟

انگلیسی‌ها نخستین استعمارگران نبودند، پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها حدود ۵۰۰ سال سابقه استعمارگری در بوشهر دارند. اما همزمان با هجوم انگلیسی‌ها به بوشهر در جنگ جهانی اول

گفت‌و گو با سید قاسم یاحسینی به مناسبت سالروز آغاز قیام مردم تنگستان

مادران بوشهری لالایی‌های ضدانگلیسی می‌خواندند

که در واقع چهارمین هجوم‌شان است، ادبیاتی تولید می‌شود که اکثراً ادبیات شفاهی است. ما در این زمان شاعری به نام محمد مضطر داریم که از نخستین شاعرانی است که ادبیات

سید قاسم یاحسینی

آنچه می‌خوانید

بزله یا هوسبّه یکی از گونه‌های رایج موسیقی محلی جنوب ایران است که دست‌افشانی‌ها و پایکوبی‌های محلی است و ریشه در ایران باستان دارد. در این پایکوبی‌های محلی اشعار ضد انگلیسی زیادی خوانده می‌شود. البته محققین مردم‌شناس ما در این زمینه کم‌کاری کرده‌اند و این اشعار به ندرت جمع‌آوری شده است. اگر جمع‌آوری این روایت‌ها به طور کامل انجام می‌شد اشعار بسیار زیادی جمع‌آوری می‌شد.

حماسی زیادی وجود دارد که نشانه می‌دهد مردم از همان اول استعمار را شناخته بودند و با آن مبارزه می‌کردند.

از این اشعار محلی که می‌فرمایید شعری در ذهن دارید؟

فقط چند بیت از شعرهای محلی منسوب به محمدخان دشتی را یادم هست:
خبر آمد که دشتستان بهار است/ زمین از خون احمد لاهزار است/ خبر به مادر پیش رسانید/ که احمد یک تن و دشمن هزار است

این منظومه چاپ هم شده است؟
در ادبیات امروز گفت‌وگویی با سیدقاسم یاحسینی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید:
یاحسینی یکی از پرکارترین نویسندگان بوشهری به شمار می‌رود که از سال ۷۰ تاکنون نزدیک به ۷۰ کتاب درباره تاریخ بوشهر و تنگستان نوشته است. میهمان فشنگاه چیگتی، آخرین شلیک، زیتون سبزه و… از جمله کتاب‌های این نویسنده است که همگی توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است.

اولین بارقه‌های ادبیات ضدانگلیسی در کدام منطقه بوشهر و توسط چه کسانی زده شد؟ آیا این ادبیات قبلاً هم سابقه داشته یا فقط به واسطه حضور استعماری انگلیس بوده است؟

انگلیسی‌ها نخستین استعمارگران نبودند، پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها حدود ۵۰۰ سال سابقه استعمارگری در بوشهر دارند. اما همزمان با هجوم انگلیسی‌ها به بوشهر در جنگ جهانی اول

و سایر شهرهای کشور هم گسترش پیدا کرد؟

بوشهر مناطق مختلفی دارد و هر کدام از این مناطق ادبیات ضد انگلیسی خاص خودش را دارد. خصوصاً منطقه دشتستان و تنگستان و

دشتی که مناطق ضداستعماری هستند، در قالب رباعی، چهارباره، ترانه و قصیده به حضور انگلستان اعتراض کرده‌اند. البته همانطور که گفتم در زمینه جمع‌آوری این اشعار کم کاری شده است و ما میراث عظیمی را از دست داده‌ایم اما جسته و گریخته اشعاری می‌بینیم که حتی در قالب لالایی‌های ضد استعماری قابل رصد است.

از این اشعار محلی که می‌فرمایید شعری در ذهن دارید؟

فقط چند بیت از شعرهای محلی منسوب به محمدخان دشتی را یادم هست:
خبر آمد که دشتستان بهار است/ زمین از خون احمد لاهزار است/ خبر به مادر پیش رسانید/ که احمد یک تن و دشمن هزار است

این شعر خیلی حماسی و غمگینانه است، همه این اشعار در قالب دوبیتی و حماسی هستند؟

ببینید شعرهای محلی سروده شده یا اینکه شاعرانش گمنام بوده‌اند، شعرهای قوی‌ای هستند، اما قالب‌های متفاوتی دارند. مثلاً محمدخان دشتی پیرو سبک سعدی بوده و در سبک گلستان اثرش را نوشته و قالب شعرها هم رباعی، قصیده و غزل است. در غزل من شعر انقلابی و حماسی ندیدم اما در قصیده و سمط و رباعی آمل و آرزوها و ستم‌ها و مبارزات ضد انگلیسی روایت شده است.

آیا شاخصه ادبیات ضد انگلیسی در منطقه بوشهر به شهرهای جنوب

کتاب

«بیدارم کن» به بازار کتاب آمد

باشگاه خبرنگاران: «بیدارم کن» عنوان کتابی به قلم فریبا کلهر است که نویسنده در آن داستانی را براساس سفر امام رضاع) از مدینه به مرو در سال ۲۰۰ هجری قمری روایت می‌کند.

این کتاب در دو بخش نوشته شده است؛ حرکت از مرو به سوی مدینه، حرکت از مدینه، بصره، اهواز و اصفهان عناوین فصل‌صل‌های بخش اول این کتاب است؛ نویسنده در بخش دوم نیز در قالب عناوین: مردی که به تمام آرزوهایش رسیده بود، جواب همیشگی، نمازی که خوانده نشد، نقشه‌ای دیگر، به سوی بغداد و رو به آسمان داستان را روایت می‌کند.

کلهر برای نگارش این رمان از منابعی همچون عیون اخبارالرضاع)، منتهی‌الآمال، اخبارالطویل، جغرافیای تاریخی هجرت امام رضاع) از مدینه تا مرو، زندگی سیاسی هشتمین امام(ع)، الکافی و… استفاده کرده است.
به‌نشر این کتاب ۱۴۰ صفحه‌ای مصور را در قطع وزیری با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه منتشر و با قیمت ۱۴۰ هزار ریال روانه بازار کرده است.

«بیدارم کن» یکی از کتاب‌های سه‌گانه داستان رضوی به‌نشر برای نوجوانان است که دو جلد دیگر آن به نام‌های «راز آن بوی شگفت» به قلم کلهر و «اعتراقات غلامان» اثر حمیدرضا شاه‌آبادی پیش از این منتشر شده است.

کتاب

باشگاه خبرنگاران: «بیدارم کن» عنوان کتابی به قلم فریبا کلهر است که نویسنده در آن داستانی را براساس سفر امام رضاع) از مدینه به مرو در سال ۲۰۰ هجری قمری روایت می‌کند.

این کتاب در دو بخش نوشته شده است؛ حرکت از مرو به سوی مدینه، حرکت از مدینه، بصره، اهواز و اصفهان عناوین فصل‌صل‌های بخش اول این کتاب است؛ نویسنده در بخش دوم نیز در قالب عناوین: مردی که به تمام آرزوهایش رسیده بود، جواب همیشگی، نمازی که خوانده نشد، نقشه‌ای دیگر، به سوی بغداد و رو به آسمان داستان را روایت می‌کند.

کلهر برای نگارش این رمان از منابعی همچون عیون اخبارالرضاع)، منتهی‌الآمال، اخبارالطویل، جغرافیای تاریخی هجرت امام رضاع) از مدینه تا مرو، زندگی سیاسی هشتمین امام(ع)، الکافی و… استفاده کرده است.

به‌نشر این کتاب ۱۴۰ صفحه‌ای مصور را در قطع وزیری با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه منتشر و با قیمت ۱۴۰ هزار ریال روانه بازار کرده است.

«بیدارم کن» یکی از کتاب‌های سه‌گانه داستان رضوی به‌نشر برای نوجوانان است که دو جلد دیگر آن به نام‌های «راز آن بوی شگفت» به قلم کلهر و «اعتراقات غلامان» اثر حمیدرضا شاه‌آبادی پیش از این منتشر شده است.

جایی گفته بودید این «طریق بسمل شدن» یک جوهرهای ادای دین از طرف شما به مقدس است.

بله، به جوانان و همه چه‌جا و خانواده‌های آن‌ها که شهید شدند. اگر فکر نمی‌کردم زمان می‌گذرد و سنم بالا می‌رود، حتماً یک کار وسیع‌تری می‌کردم. به‌رغم آنکه برخی آمدند و همه چیز را منتسب به خود کردند و میراث جوانان مملکت و ملت ایران را منحصر به خود کردند؛ من اعتقاد داشتم و دارم این‌ها جوانان مملکت ما از هر قشر و تفرقی بودند که رفتند از کشورشان دفاع کردند. دوستانی داشتم که

پزشک بودند، ولی در جنگ تویچی بودند، می‌آمدند تهران ۱۵ روز استراحت می‌کردند و دوباره می‌رفتند. این‌ها حقوق‌بگیر دولت نبودند، آزادگانی بودند که رفتند از مملکت خود دفاع کردند. اینکه این‌طور وانمود شد که هر کسی که از بین رفته برای ماست، اشتباه بود.

کمی بیشتر درباره این اعتقاد شما که حکومت از همان ابتدا قاتل به خط‌کشی شد، صحبت کنیم. آقای دولت‌آبادی این خط‌کشی واقعاً از سوی روشنفکران نبود؟

قبل از اینکه شخصیت آقای سلیمانی منتشر شود، در زمانه صلیح و بروز مردم کسان در منطقه گفتیم. من از سربازان و سرداران مملکت

نقش روحیات مردم بوشهر را در ایجاد این ادبیات چه می‌دانید. اگر انگلیسی‌ها در منطقه دیگری در کشور بودند ادبیات ضد انگلیسی همین قدر رشد می‌کرد؟

من به دلیل حساسیت‌های محلی این سوال را نمی‌توانم پاسخ دهم. فقط می‌گویم انگلیسی‌ها مناطق دیگر کشور هم بودند اما ما هیچ واکنش خاصی علیه آن‌ها مشاهده نمی‌کنیم، نه در بعد ادبیات مردمی و نه در بعد ادبیات. اما بوشهر به دلیل حضور مستمر استعمار دست کم ۵۰۰ سال مردمش ضد استعمار بوده‌اند و به دنبال مبارزات عملی که داشتند در قالب‌های مختلف ادبیات مانند نوحه، لالایی و بزله نرفت خودشان را از استعمار روایت کردند که این روایت اکثر شفاف‌های بوده و جسته و گریخته ثبت شده است. من ۴۰ سال پیش سراغ افرادی رفتم و این روایت‌های شفاهی را ضبط کردم اما الان هیچ اثری از آن‌ها نیست.

چرا ادبیات ما نتوانست از این ظرفیت استفاده کند؟

ادبیات ما به دلیل ماهیت روشنفکرانه و اروپایی نتوانست نمی‌تواند از بن‌مایه‌های بومی خودش استفاده کند. ما نویسندگهای دست دوم و دست سوم دنیای غرب را می‌شناسیم اما برجسته‌ترین نویسندگان منطقه خاورمیانه را نمی‌شناسیم، یعنی نمی‌دانیم در مصر، کویت، قطر و امارات و عربستان چه جریان ادبی وجود دارد. چون از همان ابتدا رمان و نمایشنامه از غرب وارد شد و نگاه ما را به آن سمت جلب کرد. از طرفی اگر هم از بن‌مایه‌های بومی استفاده کرده‌ایم، تقلیدی بوده است و با روحیه و مبانی نظری داخلی همخوانی نداشته است. متأسفانه ادبیات فولکلور و عامیانه خودمان را هم بازآفرینی نکرده‌ایم. تنها تلاش ما نهایتاً ثبت ادبیات فولکلور بوده است و آن را امروزی نکرده‌ایم. من سال‌ها پیش مقاله ای نوشتم با عنوان جهانی‌بندیش و بومی بنویس و در آن جا این مباحث را مفصل مطرح کرده‌ام.

گفت و گو

محمود دولت‌آبادی:

هنوز «روایت فتح» می‌بینم و اشک می‌ریزم

مهر: بهار سال ۹۷ با اتفاقی جالب‌توجه در ادبیات کسل‌کننده این سال‌های ایران همراه می‌شود. یکی از نویسندگان تأثیرگذار ایرانی، بالاخره بعد از سال‌ها رمانی مهم درباره هشت سال دفاع مقدس منتشر می‌کند.

این یکی از معدود مواردی است که طیفی از نویسندگان پرسابقه و معتبر ایرانی که به کانون نویسندگانی‌ها مشهور هستند، واکنشی کم و بیش حماسی و نه ضدجنگ به این دوره برتنش و خاص در فضای ایران نشان می‌دهند. در شرایطی که تیراژ رمان‌های ایرانی به ۲۰۰ نسخه رسیده است، «طریق بسمل شدن» با تیراژی ۳۲۰هزار تایی منتشر می‌شود و بلافاصله به چاپ دوم می‌رسد. روی جلد این رمان نام یک نویسنده مشهور و نام‌آشنا در تاریخ ادبیات بعد از انقلاب به چشم می‌خورد: محمود دولت‌آبادی.

مرد ۷۸ ساله ادبیات ایران، سرتیاج‌سال‌ها سکوت این طیف خاصی از نویسندگان ادبیات ایرانی دربرساره یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایرانی را می‌شکند. نام محمود دولت‌آبادی در ادبیات ایران بیشتر با سه مجموعه کتاب منتشرشده مشهور او «کلیدر»، «جای خالی سلوچ» و «روزگار سبری» شده مردم سالخورده»، و البته جنجال بزرگی که بر سر «روال کتل» تنها اثر چاپ شده او به راه افتاد، شناخته شده است.

طیف متفاوتی از اندیشه‌ها در ادبیات ایرانی در تمام این سال‌ها و با به شدت نقد کرده‌اند؛ شیوه سلوک، نویسندگی و عقاید خاشخ را ضربه زنده به میهن و ساختارها دانسته‌اند و در مقابل، او طیفی از طرفداران به شدت متعصبی برای خود دارد که به هیچ وجه به لقلی پایین‌تر از «هستات» و «فله ادیبان معاصر» برای او راضی نمی‌شوند. اما دولت‌آبادی تفاوت بزرگی با همسنلان و شاید همفکرانش دارد.

در سوئد و آلمان هم گفتند بمان، اما نماندم. تازه آن موقع نگفتم کتابی به نام «کتل» نوشته‌ام، اصلاً به زبان نیابردم و تا وقتی‌که به وزارت ارشاد ندامد به کسی نگفتم چنین کتابی نوشته‌ام، فقط سه نفر می‌دانستند: همسرم، احمد شاملو و دکتر ابراهیم یونس.

در استانه جنگ، دبیر و سخنگوی سندیکای تئاتر بودم. نامه‌ای از طرف هنرمندان تئاتر نوشتیم و اعلام کردیم که ما ۱۲ گروه داریم



می‌خواهم جلوی این بیماری را سر مرزهای ما بگیرند و نگذارند این خنازیر به کشور ما واگیر شود.علاوه بر این شما این مسئله را در نظر بگیرید که از ابتدا اصل بر این شد که دانشگاه‌ها، سیستم آموزش، و فرهنگ تغییر کند و به ادبیات و هنر نوع دیگری نگاه شود؛ جلوی موسیقی، هنر و چیزهایی که مطلوب نیست گرفته شد و این یعنی در عین حال کلک بزند و وانت بخورد، به بقیه گفتند برو، نه اینکه آن‌ها عقب بکشند.

خود شما همین چند وقت پیش در گفت‌وگویی، از «سردار قاسم سلیمانی» نام بردید و چقدر واکنش‌های منفی در فضای مجازی و … به سمت شما آمد.

اصلاً من روشنفکر نیستم، اهل فکر هستم. اما روشنفکر، نه‌ا هر چه می‌خوانند بگویند، مگر من اهمیت می‌دهم؟ به نظر خودم درست فکر می‌کنم، پنهان‌کاری هم نمی‌کنم. سیاست‌باز هم نیستم. در باور من روشنفکر می‌تواند کلاش هم باشد. دروغ هم بگوید، روشنفکر می‌تواند معجون وزیر بونی در عین حال کلک بزند و وانت بخورد، او هم روشنفکر است. اینکه می‌گویم روشنفکر نیستم به این علت‌هاست. روشنفکر کسی است که ذهنش پرورش پیدا کرده برای کارهایی که آدم عادی نمی‌تواند به آن‌ها فکر کند. من هیچ‌کدام نیستم. من به مملکت فکر می‌کنم.

در یک قدمی داعش

گفت‌وگو با سازنده مستند «حرمان» به بهانه پخش آن از تلویزیون

اسیما و سینیما/ معین اصغری | چند ماه پیشتر از نابودی داعش خبر نمی‌گذرد و اگرچه طعم شیرین پیروزی هنوز در ذائقه ماست، اما تا سال‌های سال باید از این بلای خانمان سوز گفت و خواند و شستید. فیلم‌ها و مستندها باید ساخت تا مردم دقیقاً بدانند ماجرا چه بود؟ این وحوش از کجا پدید آمدند؟ آیشخور فکری آن‌ها کجاست؟ آیا یک گروه تروریستی به تنهایی با ادعای خلافت می‌تواند چندین سال سایه ترس و ناامنی را بر دنیا بیندازد؟

این‌ها همه سوالاتی است که اگر به آن‌ها پاسخ داده نشود هیچ بعید نیست آتش شوم این ملعونین دوباره از خاکستر غفلت ما شعله بکشد. اگر آنجا انگشت نامت بگزم دیگر هیچ فایده‌ای نخواهد داشت.

✦ **حرمان و یک رسالت مهم**

مستند «حرمان» به کارگردانی حمید عبدالله‌زاده در سال ۹۶ تولید شد که با پخش در جشنواره مردمی فیلم عمار مورد استقبال مخاطبین قرار گرفت.

«حرمان» روایتی جسورانه و جست‌وجوگر از داعش است که در قلب خلافت این گروه تروریستی یعنی شهر موصل ساخته شده است. این فیلم ماجرای دعوت از یک جوان کرد سنی ساکن در ایران به داعش است. جوانی که پسر عموش به عضویت داعش درآمده و او را نیز ترغیب به عضویت در این گروهک می‌کند. با این حال این جوان نسبت به تبلیغات داعش تردید دارد و تصمیم می‌گیرد که به شهر موصل و قلب خلافت داعش برود تا همه چیز را از نزدیک ببیند. مستند «حرمان» سعی دارد ناگفته‌هایی را درباره این گروه تروریستی از زبان مردمی که تحت خلافت این جریان تکفیری بودند بازگو کند. شما در این مستند صحنه هایی ناب از طراحی عملیات‌ها و گفت‌وگوهای بین اعضا خواهید دید.
راوی مستند «حرمان»، یک مرد جوان کرد سنی است که نسبتش بین دو جبهه در ابتدای فیلم، بی‌طرفی است و سعی دارد با جست‌وجو در شهر موصل حقیقت را کشف کند. این موضوع، تأثیرگذاری این فیلم را بسیار بیشتر کرده است و به مخاطب کمک می‌کند تا بدون پیش‌زمینه ذهنی به ماهیت گروه‌های تکفیری پی ببرد.

موضوع مهمی که در این فیلم برجسته است، نمایش نزدیکی و رفاقت شیعه و سنی است. همه



مسلمانان برای نابودی یک دشمن مشترک که داعش است تلاش می‌کنند و در این راه هیچ اختلافی با هم ندارند.

✦ **منطقی و موشکافانه**

«حرمان» که طی دو سفر ۲۰ روزه و ۱۵ روزه به موصل فیلمبرداری شده و کار تدوین آن ۹ ماه زمان برده است، زمینه بروز خشونت و بی‌عدالتی را در نسبت با اقلیت‌های قومی و مذهبی ارزیابی می‌کند و اقبال مردم در نخستین سال بروز و قدرت گرفتن گروه تروریستی داعش را به بخشی از غفلت‌های حاکمیتی در عراق نسبت می‌دهد. این مستند یک سؤال کلیدی مهم طراحی می‌کند؛ چه عواملی در پیدایش داعش نقش داشت‌اند؟ «حرمان» روی مسئله اقلیت‌ها انگشت می‌گذارد و تصاویری دقیق و حرفه‌ای از بروز ناعدالتی قومی و اقلیتی را به تصویر می‌کشد. عراق پس از صدام همچنان می‌تواند زمینه‌پرور رخدهای ترازیکسی مثل ظهور و بروز داعش همراه با خطر تجزیه طلبی باشد و نگاه مردم‌شناختی کوتاه‌اما موجز فیلم حرمان، می‌تواند بر مخاطبانش تأثیر فوق‌العاده‌ای گذارد که بر اساس قرائت رسمی در کشور و زاویه غیرخبری، ظهور و بروز این گروهک تروریستی را بررسی می‌کند.

فیلم زاویه دیدش را برای متصفانه بودن به سوی



آنچه می‌خوانید

وقتی ما رفتیم دنبال این سوژه، زمانی بود که طر فداران داعش در ایران خیلی فعال شده بودند. ماهم می‌خواستیم سوژه ای پیدا کنیم که مقایسه‌های بشود بین الگوی خلافت موصل و آنچه که دنبال پیاده سازی آن در ایران بودند

مناسی هدایت می‌کند و بسیار متصفانه و با یک راوی اهل تسنن، منطقی توسعه مردمی داعش را در قالب اقلیت‌ها بررسی می‌کند. نسبت‌ها در این اثر متفاوت کاملاً دقیق است؛ از یک سو ارتش‌افزایی داعش از طریق اروپا صورت می‌پذیرد و مردمانی که از تکثر غیرجامع مسیحی خسته شدند و مدرنیته آن‌ها را به سوی معنویت‌های جعلی کشانده، در نهایت با معنویت جعلی داعش گره خورده‌اند. سوی دیگر ماجرا نیز اقلیت‌ها در ایران، سوریه، افغانستان و پاکستان هستند که هزمونی داعش را تشکیل می‌دهند.

در بخش مهمی از مستند حرمان خواهیم دید که داعش با ابزار تبلیغاتی رسانه‌ای مدرنی که در

رقتیم دنبال این سوژه، زمانی بود که طرفداران داعش در ایران خیلی فعال شده بودند و تبلیغات می‌کردند. ماهم می‌خواستیم سوژه‌ای پیدا کنیم که مقایسه‌ای بشود بین الگوی خلافت موصل اهل سنت و آنچه که دنبال پیاده سازی آن در ایران بودند.

به عقیده بنده ما باید یک قدم جلوتر از جامعه باشیم و جامعه را بشناسیم و از سوژه‌های موجود در منطقه استفاده کنیم. موقعیت بحرانی بر روند مستندسازی اثر می‌گذارد و هیچ چیز در مستند جنگی دست کارگردان نیست و همه با او مخالف هستند. در هنگام مستندسازی خودم را از برخی آدم‌ها پنهان می‌کردم که نخستین آن‌ها ایرانی‌ها بودند؛ چرا که می‌خواستند همه چیز را با آن‌ها هماهنگ کنیم.

✦ **ساخت یک مستند جنگی چه چالش‌هایی دارد؟**

اگر با فرمانده گروه‌ها هماهنگ نباشیم باید از آن‌ها پنهان شویم. همیشه چالش‌ها و سدهایی در راه مستندساز است که نباید به آن‌ها توجه کرد؛ چون تجربه می‌گوید هر تصویر بدون هماهنگی گرفته شده بهتر است و همواره سعی کردیم با گروه‌های بومی ارتباط بگیریم. اگر مستندساز بتواند به زبان بومی لوکیشن مورد نظرش حرف بزند، مسیرش هموارتر خواهد بود. اکثر اوقات در کارهای جنگی یک بحران وجود دارد و آن هم کسانی هستند که مانع کار تولید می‌شوند.

ماز هر چیزی که احساس کنیم به قدر کوچکی در کارمان اثر می‌گذارد باید استفاده کنیم. انتخاب دیالوگ به دیالوگ اثر من بر اساس تک خطبای بود که برای کارم در نظر گرفته بودم و تنها به دنبال این نبودم که کاری کنم که برای مخاطب جذاب باشد.

اما در این مستند بیشترین مشکل ما حضور آمریکایی‌ها بود. آن‌ها قبیل از ورود ما حتی خبرنگارهای واحدمر کزی خبر را با فشار به ارتش عراق بیرون کرده بودند. آن موقع شهر موصل دست اتش عراق بود.

لازم به ذکر است «برنامه به اضافه مستند» امروز ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه مستند سیما پخش خواهد شد و به بررسی این مستند می‌پردازد. بازپخش آن روزهای چهارشنبه (۲۳ خرداد) ساعت ۹ و جمعه (۲۵ خرداد) ساعت ۱۳:۳۰ است.

سینما و سینیما

سه‌شنبه ۲۲ خرداد۱۳۹۷

۱۵ | ۲۷ | رمضان ۱۴۳۹ | ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۶ | ۸۷۰

اخبار

اکران ویژه عید فطر در انتظار فیلم‌های جدید



فارس: با نزدیک شدن به عید سعید فطر سینماها اکران تازه‌ای را پس از اکران نوروز آغاز خواهند کرد که طی آن هفت فیلم به نمایش درخواهد آمد که دو گزینه از میان آن محصول سال‌های گذشته هستند.

اسامی فیلم‌هایی که قرار است در اکران ویژه عید فطر روی پرده بروند در حالی اعلام شده است که برخلاف انتظار خبری از فیلم‌هایی که پیش بینی می‌شد در این ایام اکران شوند نیست، بویژه که این دوره اکران و با وجود فصل تابستان، موقعیت و ظرفیت خوبی برای فروش فیلم‌ها دارد. ضمن اینکه در جشنواره سی و ششم نیز فیلم‌هایی به نمایش درآمد که پیش‌بینی می‌شد از فروش خوبی برخوردار باشند، اما در این فهرست حضور ندارند.

با این حال هفت فیلم سینمایی «در وجه حامل»، «دل‌م می‌خواد»، «دشمن زن»، «دارکوب»، «خاله قورباغه»، «لاژانیا» و «شماره ۱۷ سهپه‌لا» جایگزین فیلم‌های اکران نوروز می‌شوند و بزودی اکران خود را آغاز می‌کنند.

آغاز فیلمبرداری «روبای سهراب» از اواخر تیر



فارس: فیلم سینمایی «روبای سهراب» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی علی قوی‌نسن این روزها مرحله پیش تولید را پشت سر می‌گذارد و تاکنون حضور بازیگرانی چون لاله اسکندری، بهاره کیان افشار، ترلان پروانه و مهدی سلطانی در این فیلم قطعی شده است. همچنین قرار است علی قوی‌تن در نقش سهراب سپهری که شخصیت اصلی قصه است در این فیلم ظاهر شود.

علی قوی‌تن که سال‌ها پیش خبر ساخت فیلمی در مورد شاعر و نقاش معاصر ایران سهراب سپهری را داده بود، در فروردین ماه سال جاری به‌طور رسمی پیش‌تولید این فیلم را شروع کرده و قرار است اواخر تیرماه وارد مرحله فیلمبرداری شود.

«آقای گوزن» برنده جایزه ویژه جشنواره «زاگرب»



ایستنا: انیمیشن کوتا‌ه «آقای گوزن» که پخش جهانی آن را حوزه هنری برعهده دارد، در بیست و هشتمین دوره از جشنواره انیمیشن زاگرب در کشور کرواتسی به نمایش درآمد و موفق به کسب جایزه ویژه بخش رقابتی کوتاه این رویداد سینمایی شد. این انیمیشن به تهیه‌کنندگی الیه فرنیا و محصول مشترک مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری و خانه انیمیشن و مجری طرح آن استودیو گوزن قرمز است.

جشنواره زاگرب قدمتی ۴۶ ساله دارد و دومین جشنواره قدیمی دنیا ویژه انیمیشن است که هم‌تراز باجشنواره‌های انسی فرانسه و هیرووشیما ژاپن محسوب می‌شود.

«آقای گوزن» در بخش رقابتی آثار کوتاه جشنواره معتبر «انسی» نیز پذیرفته شده که که پنجاه و هشتمین دوره آن امسال از ۱۱ تا ۱۶ ژوئن (۲۱ تا ۲۶ خرداد) برگزار می‌شود.

رضا عطاران با «هزارپا» می‌آید



قدس آنلاین: فیلم سینمایی «هزارپا» به کارگردانی ابوالحسن داودی از اواسط تیرماه در سینماهای کشور به نمایش درخواهد آمد.

این فیلم تازه‌ترین اثر داودی بعد از فیلم «رخ دیوانه» است که از فضایی طنز برخوردار است و داستان آن درباره اتفاقات دهه ۶۰ و شرایط جنگ است.

این در حالی است که رضا عطاران با انتشار پستی در اینستاگرامش از اکران این فیلم خبر داد. فیلمبرداری فیلم سینمایی «هزارپا» اوایل خردادماه سال گذشته آغاز شد و در شهریورماه به پایان رسید.

«بامداد خمار» بعداز «شهرزاد»



فارس: کارگردان سریال «شهرزاد» در حال تدارک برای تولید سریال جدید خود بر اساس رمان برطرفلدر «بامداد خمار» است. این روزها فتحی با فتانه حاج سید جوادی، نویسنده این کتاب جلسات متعددی داشته و در حال مذاکره برای ساخت این اثر است. «بامداد خمار» برای اولین بار در سال ۷۴ منتشر شد و داستان دختر جوانی به نام محبوبه است که در خانواده‌ای ثروتمند در دوران تهران قدیم زندگی می‌کند. او در سال‌های اوج جوانی دل‌باخته پسری از طبقه پایین می‌شود که این عشق فرجام سوزناکی را برای او رقم می‌زند.

پیش تولید «ماجرای نیمروز۲» بعداز ماه رمضان



مشرق: هادی بهروز از همکاری خود در پروژه «ماجرای نیمروز ۲» به کارگردانی محمدحسین مهدویان به‌عنوان فیلمبردار خبر داد. وی با اشاره به اینکه بزودی مراحل پیش‌تولید ایسن‌اثر سینمایی آغاز می‌شود، بیان کرد: فکر می‌کنم بعد از پایان ماه مبارک رمضان پیش‌تولید «ماجرای نیمروز ۲» آغاز شود. ایسن‌اثرمکان وجود دارد که با یک پروژه فیلم کوتاه همراهی کنم، اما تا پایان کار در «ماجرای نیمروز ۲» می‌توانم با هیچ پروژه سینمایی دیگری همکاری داشته باشم.

سینما

ایلتنا: رئیس انجمن سینماداران با اشاره به آخرین وضعیت نمایش مسابقات جام جهانی فوتبال در سینماها گفت: «مجزوز نمایش مسابقات جام جهانی روسیه در سالن‌های سینمایی از سوی وزارت ارشاد صادر شده و فعلاً با نمایش ۶ مسابقه موافقت شده است.

از این ۶ مسابقه، ۳ مسابقه به بازی‌های ایران اختصاص دارد و ۳ بازی دیگر هنوز مشخص نشده است». او ادامه داد: «رایزنی‌های لازم با نیروی انتظامی انجام شده و نیروی انتظامی موافقت و تمایل خود را برای برگزاری این برنامه در سینماها اعلام کرده است، اما ما همچنان منتظر مجوز رسمی و مکتوب نیروی انتظامی هستیم.»

✦ **قیمت بیشتر از ۲۰ تومان مجاز نیست**

اشرافی درباره قیمت بلیت تماشای مسابقات فوتبال در سالن‌های سینما گفت: «قیمت پیشنهادی سینماداران برای هر سانس برای هر نفر ۲۰ هزار تومان است البته ممکن است این قیمت تغییر کند اما قطعاً از ۲۰ هزار تومان بیشتر نخواهد بود.»

او درباره اینکه مسابقات فوتبال در کدام سالن‌های سینما به نمایش در خواهد آمد، گفت: «همه سالن‌های سینما می‌توانند مسابقات را پخش کنند، اما برای پردیس‌های سینمایی و سینماهایی که چند سالن دارند، سقف تعیین کرده‌ایم. پردیس‌های سینمایی که مثلاً پنج سالن دارند فقط می‌توانند در دو سالن فوتبال نمایش بدهند.»

اشرافی با بیان این مطلب که «جدول تعیین سالن‌های سینمایی بزودی منتشر می‌شود»، ادامه داد: «در سینماهای



اعلام کرده بود، اقدام به تخریب شخصیت من و فیلم سینمایی «قلاده‌های طلا» کردند. این تهیه‌کننده سینمای ایران بیان کرد: سازمان سینمایی بعد از انتشار این آمار درصدد تصحیح برخی اقدام به تخریب پروژه فیلم سینمایی «قلاده‌های طلا» کنند. مؤسسه رسانه‌های تصویری بعد از رخ دادن چنین اشتباهی تنها یک اصلاحیه منتشر کرد و هیچ‌گونه عذرخواهی رسمی بابت آن خبر دروغ از من نکرده، متأسفانه این دوستان آبروی امتال من برایشان مهم نیست.

محمد خرازی تصریح کرد: مؤسسه رسانه‌های تصویری با انتشار این مبلغ غلط، موجب تشویش و نشر اکاذیب شد و همین موضوع سبب شد که برخی اقدام به تخریب پروژه فیلم سینمایی «قلاده‌های طلا» کنند.

مؤسسه رسانه‌های تصویری بعد از رخ دادن چنین اشتباهی تنها یک اصلاحیه منتشر کرد و هیچ‌گونه عذرخواهی رسمی بابت آن خبر دروغ از من نکرده، متأسفانه این دوستان آبروی امتال من برایشان مهم نیست. تنها رقم مشارکت فیلم سینمایی

چرا تنها رقم مشارکت فیلم «قلاده های طلا» اشتباه گزارش می‌شود؟

شیطنت ۲ میلیاردی!



باشگاه خبرنگاران: شنبه هفته گذشته (۱۲ خردادماه) بود که خبر فهرست حمایت‌های هشت ساله مؤسسه رسانه‌های تصویری که توسط سازمان سینمایی منتشر شده بود، روی خروجی رسانه‌ها قرار گرفت. فهرستی که در آن تمام مشارکت‌های مؤسسه رسانه‌های تصویری نوشته شده بود. چیزی که بسیار جلب توجه می‌کرد مشارکت ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومانی این مؤسسه در تولید فیلم سینمایی «قلاده‌های طلا» بود؛ آملاری که بعد از چند روز اصلاحیه آن اعلام شد و رقم ۸۹۸ میلیون تومانی برای آن قید شد!

✦ **هدف ما شفاف سازی است**

مهدی یزدانی مدیر عامل مؤسسه رسانه‌های تصویری در گفت‌وگو با خبرنگار سینمایی خبرگزاری فارس درباره انتشار فهرست حمایت‌های مؤسسه رسانه‌های تصویری، در توضیحاتی اظهار کرد: سیاست دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان پیشگام در

حوزه شفاف سازی اقتضا می‌کرد اطلاعات بخش‌های مختلف حمایتی سازمان سینمایی منتشر شود و یکی از این دستگاه‌ها این مؤسسه است. مهدی یزدانی ادامه داد: البته معنای شفاف‌سازی اطلاعات، حرکت غیر قانونی توسط طرفین قراردادها نیست.

بلکه براساس سیاست‌های سازمان سینمایی در هر دوره اولویت‌های سازمان تعیین می‌شود و حمایت‌ها بنابر اختیارات قانونی و توسط مدیران انجام می‌گیرد.

مدیرعامل مؤسسه رسانه‌های تصویری گفت: نکته‌ای که توسط محمد خرازی تهیه‌کننده فیلم «قلاده‌های طلا» عنوان شده است، اشکال در درج رقم کل قرارداد فیلم بود که به سرعت در اصلاحیه تصحیح و اعلام شد که از این مبلغ سه‌م برداختی مؤسسه ۳۳ درصد یعنی ۸ میلیارد و ۹۸۰ میلیون ریال بوده است.

وی ادامه داد: سیاست ما شفاف سازی اطلاعاتی است که به موجب قانون مکلف به انتشار هستیم و متعاقباً بعد از اعلام گزارش حسابرسان و برپایی مجمع عمومی حمایت‌های سال‌های بعد

تلنگر

چقدر دور شده ایم!



ایستگاه/ امید ظرافتی خانواده عروس با ضرب المثل «کی داده کی گرفته؟» غائله را ختم کرده و با یک صلوات و شیرین کردن دهانشان امضای آقا داماد را پای سند ازدواج می‌اندازند و شاه داماد هم که هنوز داغ است و توی دلش می گوید «کی داده کی گرفته؟» و چند هزار سکه مهریه را به جان می‌خرد و وسط هلهله: «تون و پتیر آوردیم، دخترتون رو بردیم» ناپلئونی را توی دهانش می‌گذارد!

این عاشق دل خسته اما زبانه لال فردا روزی با عروس خانم به تفاهم نمی‌رسد و پایش را می‌کند توی یک کفش که طلاق! عروس خانم هم که با لباس سفید آمید بوده خود خانه آقا داماد و می‌خواست با لباس سفید از این خانه خارج شود، مهرش را می‌گذارد اجرا تا شاه داماد به غلط کردم بیفتد! اما دیگر دیر شده. گل پسر ما هرچه می‌گوید غلط کرده فایده‌ای ندارد و عروس خانم مهرش را می‌خواهد! در نتیجه آقا داماد هم لج می‌کند و می‌گوید حالا که این طور شد طلاقت نمی‌دهم! عروس خانم هم که می‌بیند هوا پس است حکم جلب این عاشق دل خسته را می‌گیرد و شاخ شمشاد ما تا به خودش بیاید می‌بیند افتاده توی هلفدونی و دارد آب خنک نوش جان می‌کند! این طور می‌شود که طبق گفته مدیر عامل ستاد دیه کشور تعداد زندانیان بدهکار مهریه در کشور از مرز ۳۰۰۰ نفر هم عبور می‌کند و با توجه به افزایش شدید قیمت سسکه و با عنایت به این موضوع که شاه داماد از توی زندان نمی‌تواند کار کند و پول خرید سسکه را در بیارود، این تعداد زندانی مهریه نه تنها کم نمی‌شود، بلکه روز به روز هم بیشتر می‌شود! حالا شما به این ۳۰۰۰ نفر، چندین هزار نفر دیگر که خارج از زندان درگیر پرداخت مهریه هستند و چندین هزار نفری که با هر فلاکتی بوده مهریه را پرداخت کرده‌اند را هم اضافه کنید! نه اینکه ما بخواهیم زبانه لال از قوالتین ایراد بگیریم یا سست مهریه یا زیر سؤال ببریم یا جوان‌ها را از ازدواج بترسانیم... نه! اما انگار خیلی هایمان فلسفه مهریه و آیه «وَأَوْتَى النَّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نَحْلٌ» را از یاد برده‌ایم. انگار خیلی هایمان ازدواج ساده و مهریه حضرت فاطمه(س) را هم فراموش کرده‌ایم. کافیسست گشتی در دادگاه‌های خانواده بزیند، آمار زندانیان مهریه را ببینید و تعداد طلاق‌ها را بشمارید. خوب که نگاه کنید می‌بینید ما چقدر از سنت‌های اهل بیت(ع) دور شده‌ایم!

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور



هفته نامه «نیوساینتیست» چاپ انگلیس به بحث داغ این روزهای اقتصادی در خصوص استفاده از منابع تجدیدپذیر می‌پردازد. این نشریه به انتخاب تیتیر ۱۰۰ درصد تجدیدشدنی» می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که چگونه جهان را روشن نگه داشت بدون آنکه بخواهیم اینگونه که پیش می‌رویم کره زمین را منفجر کنیم. نیوساینتیست همچنین در مقاله‌ای می‌گوید کیوتوها قابلیت بسیار قدرتمندی در تخمین احتمالات دارند و همین طور زنبورها از احساساتی دقیقاً مانند انسان‌ها برخوردارند.

پایان دادن به سلطه ویندوز



ماهانامه «چیپ» چاپ مازنی که به دنیای رایانه و فناوری می‌پردازد، در تازه‌ترین شماره خود در گزارشی با عنوان «جایگزین ویندوز» سیستم‌های عاملی را که می‌تواند به سلطه ویندوز پایان دهد معرفی کرده است. این نشریه سیستم عامل «وبونتو» را سیستم عاملی ساده‌تر و امن‌تر نسبت به ویندوز تشخیص داده و آن را به خوانندگانش پیشنهاد می‌دهد. «چیپ» همچنین روش‌هایی را به خوانندگانش معرفی می‌کند که به وسیله آن می‌توانند از مورد جاسوسی قرار گرفتن دیتاهایشان اطمینان حاصل کنند.

بهترین مسافرت تاریخ را بساز



ماهانامه «کانسومر ریپورتس» چاپ آمریکا در گزارشی با عنوان بهترین «مسافرت جامدای تاریخ» ووش‌های کاربردی در مسافرت خانوادگی با خودروی در به خوانندگانش معرفی می‌کند. این‌روش‌ها بهترین راه برای پرداخت پول کمتر بنزین، ابزارهای بسیار کاربردی در خودرو، هله هوله‌های سالم و بستن چمدان و کیف مسافرتی را به خوانندگانش معرفی می‌کند. «کانسومر ریپورتس» در حاشیه این پرونده کامل می‌خورد. یک گزارش در مورد بهترین خودروهای شاسی بلند، وانت‌ها و سواری‌هایی را که در مسافرت بهترین هستند نیز به چاپ رسانده است.

گزارش از شخص

خانه‌دار دانشمند

نخستین بانوی مجتهد ایرانی ۲۲ خرداد ۱۳۶۲ چشم از جهان فرو بست

ایستگاه/ مجید تربت زاده

با معیارهای امروز اگر حساب کنید، ۱۱ سالگی آن هم برای دختر خانم‌ها هنوز سن کودکی و غرق شدن در بازی‌های کودکانه است. حتی با حساب و کتاب ۲۱۰ سال پیش، دخترهای ۱۰ یا ۱۱ ساله اگرچه خیلی کودک به حساب نمی‌آمدند اما در جامعه آن روز کسسی نمی‌توانست تصور کند دختری ۱۱ ساله می‌تواند به جای مشغول شدن به کارهای روزمره خانه یا بازی‌های همسن و سالانش، غرق در مطالعه کتاب شود و بهترین تفریحش درس خواندن باشد! بانو «صهرت الملوک امین» اما از همان کودکی‌های ۰۲۱ سال پیش، اهل غرق شدن در کتاب و مطالعه بود. آن قدر که در کلاس درس، وقتی معلم در پاسخ به پرسش‌های شرعی خانم‌ها درمات و گفت: «... شما باید از یک مجتهد سؤال کنید.» صهرت الملوک سخت به فکر فرو رفت که چرا در میان زنان، مجتهد وجود ندارد؟ آن زمان اگرچه ۱۱ کاستی‌های ناشناخت اما این پرسش روزها و شب‌های بعد از خنثی بیرون رفت و لایه لای آرزوها و مشغولیت‌های کودکان‌هاش گم نشد. ماند تا سی و چند سال بعد...

تک دختر باها

نقلی بیش از ۱۲۰ سال پیش است یعنی سال ۱۲۶۵ که خدا آخرین فرزند و تنها دختر را به خانواده «سید محمد علی امین التجار» می‌دهد. پدر از بازرگانان متدین و سرشناس اصفهان بلکه ایران است و مادر هم از جمله سادات نیکوکار و شهره شهر. سال‌ها انتظار کشیدم‌اند تا خدا به آن‌ها دختری بدهد و حالا همه چیز آماده است تا «صهرت الملوک»، تک دختر آقای بازرگان، بشود سبگلی خانه و خانواده و دختر لوس بابا و جوری با باید که فردا کسسی نتواند بگوید بالای چشم شاهزاده خانم ابروستا

خانم خانه دار

بی تعارف می‌پرسم... الان چند نفر از من و شما به

بشود دختر ذردانه‌ای که هزار جور ناز و ادا و اطوار دارد و دست هرچه «علی‌مردان خان» را از پشت می‌بندد. امانه «امین التجار» و همسرش از آن پدر و مادرهای «تُتر پرور»‌اند و نه به نظر می‌رسد «صهرت الملوک» کوچک اهل این حرف‌ها باشد. تازه چهار سالگی را تمام کرده که پدر و مادر بر خلاف رسم معمول خانواده‌های آن روزگار، او را به مکتب‌خانه می‌فرستند. دوباره تکرار می‌کنیم: نقل ۱۲۰ سال پیش است که درس خواندن دخترها حکایت نادر و عجیب و غریبی بود!

از تنبلی نبود

پس از ۱۱ سالگی و آن پرسش اساسی: «چرا مجتهد زن نداریم؟» پدر و مادر وقتی علاقه دخترشان را به درس و یادگیری زبان عربی دیدند، موافقت کردند که به قول امروزی‌ها برایش معلم خصوصی بیآورند. البته نه از آن معلم خصوصی‌هایی که پدر و مادرها برای جریان تنبلی‌ها و یا کم و کاستی‌های هوش بودند که در ضمیر و درونم سوءاخلاق وارد نشود و استعدادهایم شکوفا شود... من در زمان کودکی و اوایل جوانی بسیار مایل و حریص به مطالعه کتاب‌های علمی و گوش دادن به مواظب دینی بودم... هرگاه نزدیکم مشغول به تفریح می‌شدند من به مطالعه مشغول می‌شدم و آن‌ها مرا طعنه می‌زدند و بر من اعتراض می‌کردند و می‌گفتند: چگونه تو مشغول به مطالعه می‌شوی و تفریح را رها می‌کنی؟ این کار عقلاانه نیست بلکه از بطالت و کسالت است!

استعدادی که دفن نشد

دو سال از زندگی مشترک گذشته بود که نخستین فرزند به دنیا آمد و بانو «امین» لذت و دشواری‌های مادر شدن را هم تجربه کرد. با این همه هنوز چیزی از عشق و علاقه‌اش به یادگیری علوم گم نشده بود. استعدادی را در خودش کشف کرده بود و سخت اصرار داشت که نباید این استعداد زیر آوار خرافه دفن شود و یا اجازه بدهد توفان تجدیدی که داشت از سمت غرب می‌وزید تا حجاب و غفت زنان را برپاید، آن را با خود ببرد. با تلاش و موافقت همسرش، آیت‌الله آقا سعید علی نجف‌آبادی که از مدرسان و مجتهدان درجه یک اصفهان بود پذیرفت برای تدریس علوم دینی به خانه آن‌ها بیاید. استادان بعدی آیت‌الله ذرق‌آبی، آقا میرزا علی اصغر شریفی



تولد جدید

۴۰ سالگی را گذرانده بود که اجازه اجتهاد را از آیت‌الله محمد کاظم شیرازی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی و ابراهیم حسینی شیرازی اصطهبانی گرفت و سپس اجازه روایت را از آیت‌الله شیخ محمدرضا نجفی نگارش کتاب‌های ارزشمندش نیز از همین سال‌ها آغاز شد و تا سال‌ها بعد ادامه یافت. اگرچه در بارش گفته‌اند خیلی اهل سیاست نبود اما در افتادن او با اقدام‌های «رضاخان» در زمینه کشف حجاب و سخنان خود بی خبر نبوده است. راه اندازی «مکتب فاطمه(س)» و دبیرستان دخترانه «امین» از دیگر فعالیت‌های پس از دوران اجتهادش است. علامه محمد تقی جعفری در باره او گفته است: «... به‌طور قطع می‌توان ایشان را یکی از علمای برجسته عالم تشیع معرفی نمود... باید او را از گروه نخیه دانشمندان به شمار آورد که به اضافه فراگرفتن دانش به تولد جدید در زندگی نیز ناقل می‌شوند».

صوفی نشود صافی...

نزدیک به ۲۷ سال تلاش تا رسیدن به اجتهاد، آسان نگذشت مداری کردن برای هشت فرزند که هفت آن‌ها به دلیل بیماری‌های علاج‌ناپذیر آن دوران از دنیا رفتند، مدیریت خانه و خانواده، نشتن پای درس‌های دشوار استادان مختلف، مطالعه پای تألیف کتاب‌های ارزشمند و... کار آسانی نبود. استانش پس از فوت چندمین فرزند او فکر کرده بودند دیگر نمی‌تواند درس را مثل قبل دنبال کند اما با کمال تعجب دو روز بعد پیام رسید که: برای ادامه درس تشریف بیآورید! «محمد علی» تنها فرزند بازمانده‌اش که سال ۱۲۸۶ از دنیا رفت در این باره گفته است: «... روزی به ایشان گفتم شما که یک زن عالمه فاضله موحده به تمام معنا هستید؛ چرا باید این قدر زجر و درد بکشید؟ گفتند صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی، من باید خالص شوم؛ این‌ها امتحان است من باید امتحان بدهم».

روزمره نگاری

ایستگاه/ سرم شلوع است...

۴- تبلیغات، بعضی روزها کم روی اعصاب نیست و این انگار اوضاع همه کاتال هاست. پس صدای تلویزیون را نباید همیشه باز گذاشت تا مثلاً یک تابه که بدون روغن، گریل می‌کند تمام صبرت را یکجا ببلعد.
 ۵- واقعاً چهار سال گذشت از جام جهانی برزیل؟ از فینال آرژانتین و آلمان در روز شگاه «ماراکائای ریودوژانیرو» و تماشای سرمربی تیم پیروز دنیای فوتبال، یوآخیم لوف... دنیا واقعاً با چه سرعت عجیبی دارد تمام می‌شود!
 ۶- امروز سکه برابرم صرفاً یک تکه طلای گرد گرانیه نیست. نام دوستی است که شنیدم ۷۰۰ تایش را در این توفان بخشیده.
 ۷- فروشنده محصولات آرایشی - بهداشتی یک پرند، اصرار دارد با حرارت و اطوار به ما توضیح دهد که بخردی و بپرید که اگر خوششان نیامد و یا پوستشان سازگار نشد، تمام پول خریدتان را عودت می‌دهیم. نه یک بار، اتوماتیک واره، سه بار پشت هم.
 ۸- و این پنداز بایزید که: «یاچنان نمای که هستی، یاچنان باش که می‌نمایی»

چنان باش که می‌نمایی

ارقیه توسلی

۹- کتاب «هن دررقه‌بوم» خاطرات ابودکریا، عضو جادشده از گروه تورورستی داعش را خریدم که می‌دانم تا نخوانم، نمی‌گذارد بر ملار آرامش باشم.
 ۱۰- اصلاً وقتی نزدیک نمی‌ از ایرانی‌ها و اکثریت اعضای خانواده خودت مثلاً به این بیماری‌اند، می‌توان به آنباشته شدن چربی در سلول‌ها فکر نکرد؟ به لاغری؟ به سرکه سیب، به شیرین بیان، سبزیجات خام؟
 ۱۱- قدیمی‌ها که آتلیه مذ نبود، می‌گفتند رقتیمه عکسلی. امروز من در عکسخانه قدیم و سرپای شهرمان مأموریتی داشتم که خالی از لطف نبود.
 ۱۲- مشاغل منسوخ در سسرم دوره افتاده‌اند امروز. مسگری، نم‌معالی، حاجی، چلنگری، آسیابانی، گرمابه داری. یادشان خوش.
 ۱۳- نشستام کنار آقاچان و به زلف یکدست برفشی نگاه می‌کنم. ابدا شباهتی با مرد مومشکی توی قاب ندارد! آن جوان، ۱۹ بهار را گذرانده بود و همش‌ن‌ام، پدربزرگی است که امبدوار قدر چروک هایش را بدنام.

چه خبر؟

میدان جنگ ۲۰۰ سال پیش

ایستگاه/ واگرم در حال حاضر یک منطقه مسکونی در آتریش است، اما ۲۰۰ و چند سال پیش وقتی ناپلئون بناپارت مجبور شد ۳۰۰ هزار نیروی نظامی را ردیف کند تا با ۲۰۰ هزار آلمانی بجنگند، میدان یک جنگ دهشتناک و خونین بود که ۵۵ هزار کشته برجای گذاشت. خبرگزاری «فارس» دبیروزه به نقل از «فاکس نیوز» خبر داد که درست زیر خاک‌های یک مزرعه کشاورزی در این شهر کوچک، آثار جالبی از این جنگ بزرگ پیدا شده است. پس از اینکه باستان شناسان این مزرعه را به دقت حفاری کردند، حالا محققان در حال نقشه‌برداری از گورستان‌های دسته‌جمعی، اردوگاه‌ها و همچنین هزاران توپ، گلوله، اسکت سربازان و لوازم شخصی آنان هستند که بر روی زمین افتاده بودند.



اینجا درنگ جایز است!



میان انبوه خبرهای دو هفته پیش، لایه لای روزهای عزاداری، این خبر شادمانه را انگار گم کرده بودیم. وانت‌های حامل جهیزیه‌های تمام ایرانی، اهدایی رهبر انقلاب، زیر آفتاب داغ می‌درخشند. آن‌ها دارند شادمانی و خوشبختی را به خانه زوج‌های جوان سیستان و بلوچستان می‌برند.

مجاز آباد

شمر زمان

ایستگاه/ «تتایهاشو» با انتشار پیام ویدیویی در توئیتر گفت: «۹۶ درصد از زمین‌های ایران با مشکل کم‌آبی مواجه هستند و آماده‌ایم به ایرانی‌ها برای غلبه بر بحران آب در این کشور کمک کنیم» همچنین وبسایتی برای کاربران ایرانی راه‌اندازی می‌کند که در آن روش‌های بازیافت آب تشریح می‌شود! پس از پیشنهاد مضحک نتانیاهاو جمعی از کاربران توئیتر با راه اندازی هشتگ #شمر-زمان نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند که بعضی از آن‌ها را می‌خوانید: «آبی که شمر زمان به مردم ایران تعارف می‌کنه همان امان نامه ایه که شمر ۱۴۰۰ سال پیش به عباس بن علی(ع) تعارف کرد.» حاضران از بی‌آبی بمیرم ولی به دست تو سیراب نشم!»

خوشتیپ‌های ایرانی!



ایستگاه/ در دوره قبلی جام جهانی بعد از اولین دیدار ایران مقابل نیجریه، عکس‌های «علیرضا حقیقی» دروازه‌بان ایران سبزه شبکه‌های اجتماعی خارجی شد. کاربران فضای مجازی حساسی شیفته چهره و دروازه بان ایران شدند. ماجرا تا جایی بالا گرفت که حتی بسیاری از تماشاگران حاضر در جام جهانی و کاربران فضای مجازی از حقیقی خواستگاری کردند! امسال اما چند روز پیش از شروع جام جهانی تصاویر بازیکنان خوشتیپ ایرانی مثل عزت‌اللهی، جهانبخش و... سبزه کاربران خارجی فضای مجازی شده است! حتی روزنامه «دیلی میل» هم در گزارشی از تیپ بازیکنانمان حساسی تعریف کرده و گفته خوشتیپی ایرانی‌ها کاربران فضای مجازی را به این تیپ علاقه مند کرده است!

افطاری جنجالی



ایستگاه اگر فکر می‌کنید مراسم افطاری چهره‌های سیاسی فقط در کشور ما جنجال به پا می‌کنند سخت در اشتباه اید! از دو روز پیش و پس از برگزاری مراسم افطاری «اردوغان» در استانبول، تصاویر این افطاری همچنان سبزه شبکه‌های مجازی و رسانه‌های مخالف دولت است. تصاویری که از این مراسم منتشر شده نشان می‌دهد میز افطاری اردوغان با نواری آبی از میز سایر مهمانان جدا شده است. حالا کاربران فضای مجازی و برخی از رسانه‌ها تصویر این افطاری را در کنار تصویر «محمرم اینچه»، کاندیدای حزب مردم جمهوری خواه که روی چمن‌ها نشست و در کنار شهروندان ترکیه روزه‌اش را باز می‌کند، قرار داده و اردوغان را به جدایی از مردم متهم کرده‌اند.